

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرآیند تحقق اهداف

اسلامی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

نقشه کلی انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی

(دفتر اول)



بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

فرآیند تحقق اهداف اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی (دفتر اول)

ناشر: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

تهیه و تدوین: شورای علمی بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۲

ویرایش نخست

شمارگان: چاپ محدود

شابک:

قیمت:

نشانی: تهران خیابان شهید دکتر بهشتی خیابان شهید احمد قصیر کوچه ششم شماره ۳۱

تلفن: ۸۸۵۰۵۲۸۳ شماره: ۸۸۵۳۵۶۹۴

فهرست مطالب

فصل اول/ ۱۰

- ۱۰ فرآیند و حیات طیبه اسلامی
- ۱۴ تشکیل و بازتولید حیات طیبه اسلامی
- ۱۹ نگرش کلان و مستمر به انقلاب اسلامی
- ۲۰ استحکام نظام با گذشت زمان
- ۲۰ مراحل پنج‌گانه تحقق اهداف اسلامی

فصل دوم/ ۲۳

- ۲۳ مرحله انقلاب اسلامی
- ۲۶ ملت ایران جانشان را به کف دست گرفتند
- ۲۷ معنا و مفهوم انقلاب و حرکت انقلابی
- ۲۸ معنا و مفهوم حفظ انقلاب
- ۲۸ هدف از انقلاب اسلامی
- ۳۱ اصلاح بخش اصلی تمدن؛ هدف پیش رو

فصل سوم/ ۳۳

- ۳۳ مرحله تشکیل نظام اسلامی
- ۳۶ معنا و مفهوم نظام اسلامی
- ۳۵ هدف از تشکیل نظام اسلامی
- ۳۸ نظام اسلامی و جمهوریت

- ۳۸.....مقابله دشمن با نظامسازی اسلامی
- ۳۹.....چالش بزرگ؛ حفظ هویت نظام.

فصل چهارم/۴۲

- ۴۲.....مرحله تشکیل دولت اسلامی
- ۴۵.....معنا و مفهوم دولت اسلامی
- ۴۵.....هدف از تشکیل دولت اسلامی
- ۴۷.....ویژگیهای دولت اسلامی
- ۴۸.....تعهد اصلی دولت اسلامی
- ۴۹.....شاخص های دولت اسلامی
- ۴۹.....اعتقادی و اخلاقی
- ۵۰.....خدمت به مردم
- ۵۱.....عدالت
- ۵۱.....سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد
- ۵۲.....قانون گرایی
- ۵۳.....حکمت و خردگرایی
- ۵۳.....ظرفیت درون زای کشور

فصل پنجم/۵۶

- ۵۶.....مرحله تشکیل جامعه و کشور اسلامی
- ۵۸.....معنا و مفهوم کشور اسلامی
- ۵۹.....هدف از تشکیل کشور اسلامی
- ۶۰.....ارکان کشور اسلامی
- ۶۱.....رفاه مادی
- ۶۱.....عدالت اجتماعی
- ۶۲.....روحیه و آرمان انقلابی
- ۶۳.....تحقق اخلاق و کمال انسانی

- نتایج و برکات کشور اسلامی ۶۴
- ایران اسلامی؛ الگو و نمونه کامل تمدن نوین اسلامی ۶۶

فصل ششم/ ۶۸

- مرحله تشکیل امت اسلامی و تمدن بین الملل اسلامی ۶۸
- معنا و مفهوم تمدن اسلامی ۷۱
- هدف از تشکیل تمدن اسلامی ۷۲
- چگونگی تحقق تمدن بین الملل اسلامی ۷۴
- ارکان و اهداف نهضت های کشورهای اسلامی ۷۵
- عوامل تشکیل تمدن اسلامی ۷۶
- ایمان و اعتماد به خدا و احکام الهی ۷۶
- بی رغبتی به زخارف دنیا ۷۷
- اخلاص برای خدا ۷۷
- تقوای فردی و اجتماعی امت اسلامی ۷۸
- مجاهدت ۷۹
- آینده حتمی؛ پیشرو بودن ایران ۸۰
- حرکت علمی ۸۰
- ایستادگی و مقاومت ۸۱
- مواجهه با تمدن غرب ۸۱
- بصیرت سیاسی ۸۲
- وحدت کلمه در دولت، ملت و امت ۸۲
- جامعه ایمانی؛ لازمه تمدن سازی اسلامی ۸۳
- تقلید تمدن غرب؛ آسیب تمدن سازی نوین اسلامی ۸۵
- نشانه های هندسه جدید تمدن اسلامی ۸۶
- احساس هویت و احساس بیداری ملت ها ۸۶
- خیزش ناموفق غرب ۸۷
- آینده مبهم کشورهای ثروتمند اروپا ۸۸

- ۸۹.....افول قدرت آمریکا.....
- ۸۹.....راهبردهای کلان بیداری اسلامی.....
- ۹۰.....مصلحان دینی؛ پدیدآورنده امواج بیداری.....
- ۹۰.....هدف نهائی؛ ایجاد تمدن درخشان اسلامی.....
- ۹۱.....ادعانامه علیه تجاوز و فساد.....
- ۹۱.....پرهیز از اختلاف های قومی و مذهبی.....
- ۹۱.....دفاع از فلسطین.....
- ۹۲.....انقلاب اسلامی؛ الگوی حرکت های انقلابی دنیای اسلام.....

فصل هفتم/ ۹۴

- ۹۴.....جایگاه کنونی ایران اسلامی در نسبت با مراحل فرآیند.....
- ۹۷.....پیشتازی ملت ایران در حرکت انقلابی.....
- ۹۷.....موانع تشکیل دولت اسلامی.....
- ۹۸.....موانع درونی.....
- ۱۰۰.....موانع بیرونی.....
- ۱۰۰.....بایسته های دولت مردان برای اسلامی کردن دولت.....
- ۱۰۱.....کاربرد روش های مناسب.....
- ۱۰۱.....تطبیق رفتارها و جهت گیری های مسئولان با معیارهای اسلامی.....
- ۱۰۱.....نظام اداری تراز اهداف اسلامی.....
- ۱۰۲.....اصلاح و خودسازی دولتمردان.....
- ۱۰۴.....شایسته سالاری و انتخاب اصلح.....
- ۱۰۶.....امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۱۰۷.....نظارت بر عملکردها.....
- ۱۰۸.....نوسازی سازوکارها و خطوط هندسی نظام.....
- ۱۰۹.....چه باید کرد؟.....

فصل هشتم/۱۱۲

۲۴ سال دعوت، هدایت‌گری و پایداری در تشکیل دولت و جامعه اسلامی ۱۱۲

فصل اول

فرآیند و حیات طیبه اسلامی

امروز جوامع بشری در اقصی نقاط عالم، به خاطر دوری از معنویت، دوری از حقیقت انسانیت، دوری از اخلاق و دوری از خدا، وضعی پیدا کرده‌اند که این همه پیشرفت مادی هم نمی‌تواند آن‌ها را خوشبخت کند. چرا؟ مگر امروز بشر از همیشه ثروتمندتر و عالم‌تر نیست؟ مگر امروز بشر، بیش از همیشه با ابزارهای آسان‌کننده زندگی مواجه نیست؟ پس چرا زندگی این قدر تلخ است؟! چرا این همه اختلاف در عالم هست؟ چرا این همه جنگ هست؟ چرا این همه نامردمی هست؟ چرا جوانان در ثروتمندترین کشورهای عالم، احساس خوشبختی نمی‌کنند؟ بشر برای خوشبختی چه چیزی لازم دارد که در اختیارش نیست؟ جواب، یک کلمه است: بشر، پیام انبیا را کم دارد، بشر، نسخه آرامش‌بخش و آسایش‌بخش انبیا را در دست ندارد یا به آن عمل نمی‌کند؛ بدبختی‌ها اینجا است.^۱

رنج‌های اصلی بشر - که اسلام کمر به زدودن آن‌ها بسته - در زمان (طلوع اسلام) و پیش از آن و امروز، همواره مسائل ثابت و واحدی بوده و هست. فقر، جهل، تبعیض، جنگ و ناامنی و بالاخره زندانی شدن در حصار مادی‌گری و اسارت در کمند خوی‌های زشت خویشتن، از همان رنج‌های اصلی است. جهان از لحاظ دانش و فناوری و ابزار و سرعت و سهولت، به کلی با گذشته تفاوت کرده، ولی دردهای مزمن و کهنه بشر،

همچنان پابرجا است و رفتاری‌های عمده، همان است که بود.^۱

دنیای امروز بر پایه نجات انسان تشکیل نشده. این چیزی نیست که امروز احتیاج به برهان و استدلال داشته باشد.^۲ در دوران اخیر هیچ‌گاه بن بست تفکر مادی - که برای انسان و جهان، نه ریشه‌ای قائل است و نه مقصدی - بدین وضوح نبوده است.^۳

مادی‌گری، گرایش مادی، تفکر مادی، تمدن مادی، دشمن بشریت است. دنیای غرب از دو سه قرن قبل از این، به دانش برتر و فناوری برتر دست‌یافت و سوراخ دعای ثروت و انباشت ثروت را پیدا کرد. مکتب‌های اجتماعی گوناگونی پدید آمد، تفکرات فلسفی اجتماعی گوناگونی پدید آمد، هدف اینها یا هدف آن کسانی که دنبال این افکار رفتند، این بود که بتوانند بشر را به آسایش، به آرامش و به رفاه برسانند، لیکن آنچه در واقع تحقق پیدا کرد، عکس اینها بود.

بشر در سایه تفکر اومانیستی و در جهت نظام‌های انسان‌گرا، نه فقط به انسانیت دست نیافت، به آسایش دست نیافت، بلکه بیشترین جنگ‌ها، بیشترین کشتارها، بدترین قساوت‌ها، زشت‌ترین رفتارهای انسان با انسان در این دوره به وجود آمد.^۴

تجربه غرب، تجربه ناموفقی است. محصول تجربه غرب در نظام‌های اجتماعی، یکی فاشیسم است؛ حکومت نازی. جنایات هیتلر دروغ نیست. یکی کمونیسم است؛ حکومت بلوک شرق سابق؛ کمونیسم و اردوگاه‌های کار اجباری و به سبیری فرستادن آنها. تجربه شوروی هم تجربه غربی‌ها است؛ متعلق به شرق نیست؛ برآمده از افکار اروپایی‌ها و از تفکر مارکس و انگلس است. یکی هم لیبرالیسم است؛ حاکمیت مطلق‌العنان امروز دنیا که مظهرش آمریکا است و نورچشمی و عزیزکرده‌اش هم اسرائیل است؛ زندان ابوغریب و زندان گوانتانامو و زندان‌های دیگر.^۵ این لیبرالیسم،

۱. در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

۲. در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم ۱۳۸۷/۰۳/۲۱

۳. در پیام به دومین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس ۱۳۷۲/۰۵/۳۱

۴. در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۰۸/۰۴

۵. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

همان چیزی است که ماجرای افغانستان و مسئله فلسطین را به وجود آورده است و می‌خواهد آن را به کلی حذف کند.^۱

تجربه غربی، تجربه ناموفقی (است)؛ هم برای بشریت، هم برای مردم خودشان. تصور نشود که اروپا و آمریکا برای کشورهای دیگر بدبختی آوردند، اما مردم خودشان را خوشبخت کردند؛ این‌طور نیست. امروز در آمریکا و کشورهای غربی، علم و ثروت و قدرت نظامی و همه چیز وجود دارد، جز خوشبختی. در آنجا خوشبختی نیست، خانواده نابود شده است، آمار جنایت و قتل و انواع و اقسام فسادها حیران کننده است، احساس امنیت نیست، احساس آرامش نیست، لذا اغلب جریان‌های پوچ‌گرایی از اروپا برخاسته‌اند.^۲

آمریکا از دهه ۴۰ تا دهه ۹۰ - یعنی ظرف پنجاه سال - هشتاد کودتای نظامی در دنیا راه انداخته! آدم‌کشی برای آنها عادی است؛ نه فقط در افغانستان و در عراق و در مناطق تحت اشغال آنها، که در داخل مجموعه‌های خودشان هم همین است.^۳ همه جنایت‌هایی که تقریباً در طول صد و پنجاه سال اخیر صورت گرفته، محصول تجربه غرب است. یک نمونه از محصول تجربه غربی، ساخت بمب‌های اتمی و شیمیایی است. یک نمونه از ناکامی‌های تجربه غربی در اداره بشر و تأمین خوشبختی انسان، مسئله استعمار است؛ استعمار نوینی که ده‌ها سال بر کشورها حاکم بود و استعمار فرانوینی که امروز حاکم است و طرح‌های بلندپروازانه و جاه‌طلبانه و ظالمانه‌ای که نسبت به کشورها دارند، نمونه‌هایی از این جنایت‌ها است.^۴

تشکیل و بازتولید حیات طیبه اسلامی

امروز ایران اسلامی، مظهر رهایی و نجات بشریت است.^۵ کلید سعادت خود این

۱. در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

۲. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

۳. در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۰۸/۰۴

۴. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

۵. در دیدار با جمع کثیری از کارگران، معلمان و فرهنگیان کشور ۱۳۷۵/۰۲/۱۲

ملت و کلید سعادت ملت‌های دیگر در دست ملت ما است.^۱ این نظام، مایه سعادت انسان و مایه خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسان‌ها است.^۲ از بعد از صدر اسلام تا امروز هم چنین فرصتی پیش نیامده است؛ موقعیت بسیار استثنایی و بخصوصی است، باید این موقعیت را مغتنم بشماریم.^۳ باید بدانیم که در مقابل بشریت مسئول هستیم، خداوند نعمت خود را توسط پیامبران علیهم السلام بر ما تمام کرده است. ما نباید نظاره گر ظلم و فساد میلیون‌ها انسان بیچاره باشیم. بر ما است که برای نجات بشریت قیام کنیم و جوامع، حکومت‌ها و زندگی فردی و اجتماعی را بر اساس اندیشه الهی بنا کنیم.^۴

هدف از همه مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه اسلامی بود. تلاش همه دلسوزان بشر و راهنمایان بزرگ انسان و انبیای عظام و اولیا و مجاهدان فی سبیل الله در طول تاریخ، این بوده است که این حیات طیبه را برای بشر به وجود آورند.^۵ انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً».^۶ این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است.^۷

حیات طیبه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدف‌های او حرکت می‌کند؛ این زندگی گواراست؛ فقط «دنیا» نیست، فقط هم «آخرت»

۱. در دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ۱۳۸۶/۱۱/۲۸.

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۰۹/۱۵.

۳. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۴. در پیام به دومین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس ۱۳۷۲/۰۵/۳۱.

۵. در دیدار با گروه‌های مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر و کنفرانس اندیشه اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۱۲.

۱۳۶۸

۶. نحل / ۹۷

۷. در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴ / ۰۷ / ۲۲

نیست.^۱ حیات طیبه یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.^۲ حیات طیبه، یعنی دنیا و آخرت را باهم داشتن. حیات طیبه، یعنی ماده و معنا را باهم داشتن. حیات طیبه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج می‌رساند، قدرت علمی و تکنیکی پیدا می‌کند، پیشرفت‌های گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد، اما در همه این حالات، دل او هم با خدا است و روزبه‌روز هم با خدا آشنا تر می‌شود. این، هدف نظام اسلامی است، این، آن هدفی است که پیامبران علیهم‌السلام اعلام کردند، مصلحان عالم گفتند و در این صد و پنجاه تا دویست سال گذشته، شخصیت‌های برجسته اسلامی آن را اعلام کردند.^۳

آن ملت‌هایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند زندگی دنیوی را به مراتب پیشرفته‌ای از کمال برسانند، لزوماً زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تأمین کنند.

از طرف دیگر، حیات طیبه و زندگی گوارا فقط آخرت هم نیست. اسلام نمی‌گوید من می‌خواهم زندگی آخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیای آن‌ها هر جور شد، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندی‌های مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند. اگر آن زندگی به وجود آمد، آن وقت در جامعه ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض ریشه‌کن می‌شود، تجاوز به حقوق انسان‌ها ریشه‌کن می‌شود، جنگ‌ها و برادرکشی‌ها از بین می‌رود، ناامنی‌ها در زندگی بشر به صفر می‌رسد. انبیاء

۱. در صحن جامع رضوی مشهد مقدس ۰۲/۰۱/۱۳۸۳

۲. در اولین روز ورود به ساری ۲۲/۰۷/۱۳۷۴

۳. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (ع) ۲۹/۰۱/۱۳۷۰

برای این کار و مجاهدت کردند؛ بزرگان برگزیده خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند.^۱

همه ادیان، مقابل با شر و فسادند و راه و صراط مستقیمی به سمت اهداف عالیّه ایجاد می‌کنند، ولی آیین مقدس اسلام، این خصوصیت را دارد که یک نسخه همیشگی است؛ برای همه ادوار زندگی بشر، این نسخه کارساز است. آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام به مردم دادند، یک نسخه شفابخش برای همه ادوار است؛ نسخه‌ای است در مقابل همه دردهایی که از آغاز خلقت، بشر از آن دردها نالیده است.^۲ امروز هم مانند گذشته، اسلام تنها نسخه شفابخش و فرشته نجات است، امروز هم مانند هزار و چهارصد سال پیش، این ندا طنین افکن است: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».^۳

مهم آن است که چهره بی‌پیرایه اسلام، دیده و شناخته شود. اسلام، هم در هنگام طلوع خود و هم امروز، راهی به دنیایی نوین، بازندگی‌ای سعادت‌مندانه و متضمن صلاح و فلاح انسان بوده و هست.^۴ آن عاملی که می‌تواند بشر را نجات بدهد، آن دست قدرتمند و معجزه‌گر، جز اسلام ناب و قرآن کریم و احکام مقدس آسمانی نیست.^۵ دین اسلام برخلاف بعضی از ادیان دیگر، مردم را به تصمیم‌گیری، حضور در صحنه، کار داشتن به کار سیاست و ملک‌داری و اداره و این‌طور امور تشویق می‌کند. این دین، دین زندگی و حکومت و سیاست است، مثل ادیان دیگر نیست که دوری از سیاست و صحنه زندگی و فعالیت‌های گوناگون و امثال اینها را جزو اصول خودشان بدانند.^۶

۱. در صحن جامع رضوی مشهد مقدس ۱۳۸۳ / ۰۱ / ۰۲

۲. در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر، در سالروز عید سعید مبعث

۱۳۷۰/۱۱/۱۳

۳. سوره مائده، آیات ۱۵ و ۱۶

۴. در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

۵. در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده ۱۳۶۹/۰۸/۰۵

۶. در دیدار با جمع کثیری از علما، روحانیون، مسؤولان و اقشار مختلف مردم استان خراسان، در سالروز ولادت امام رضا علیه‌السلام

۱۳۶۹/۰۳/۱۵

آیه قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً».^۱ حیات طیبه اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این‌که انسان‌ها در زندگی دنیوی، از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه اسلامی شامل دنیا و آخرت؛ هر دو است،^۲ یعنی سعادت دنیا و عقبی و رفاه مادی و تعالی معنوی.^۳

ما آمدیم برای اینکه یک جامعه اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان باز تولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌توانست و می‌تواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره طیبه بکنیم، ما برای این آمدیم.^۴

مسئله فقط ایران نبود؛ ایران به‌عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه اول و همه جوامع بشری در درجه بعد، مورد نظر بود. انقلاب می‌خواست به همه‌کسانی که در هر نقطه‌ای از دنیای اسلام هستند، نشان بدهد که این الگو تحقق‌یافتنی و شدنی است؛ این هم نمونه‌اش.^۵ هدف، جز این چیز دیگری نبود، الآن هم هدف جز این چیز دیگری نیست.^۶ این حرکت، حتی به حصارهای زمان کنونی هم محدود نمی‌شود؛ یک حرکت عظیم تاریخی است. باید طوری باشد که نسل‌های دیگر و ملت‌های مسلمان

۱. سوره نحل، آیه ۹۷

۲. در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

۳. در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استان‌های ایلام و فارس و جمعی از طلاب پاکستانی ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

۴. در دیدار روسای سه قوه و مسوولان نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

۵. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

۶. در دیدار روسای سه قوه و مسوولان نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

معاصر ما، از این حرکت درس بگیرند، نیرو به دست آورند و راهشان را پیدا کنند.^۱

نگرش کلان و مستمر به انقلاب اسلامی

اگر ما نگاه کلان به انقلاب و حادثه پدید آمدن جمهوری اسلامی بکنیم، جزئی‌نگری‌ها نمی‌تواند ما را گمراه کند. گاهی جزئی‌نگری و نگاه‌نکردن مسیر مستمر از ابتدا تا انتها، انسان را گمراه می‌کند، حتی گاهی آدم راه را گم می‌کند، هدف را گم می‌کند. نمی‌خواهیم بگوییم جزئی‌نگر نباشیم، چرا، نگرش به جزئیات، یعنی همان برنامه‌ریزی؛ این را ما منکر نیستیم. برنامه‌ریزی، نگاه به فصول مختلف و بخش‌های مختلف، یعنی جزئی‌نگری. می‌خواهیم بگوییم این نگاه به بخش‌ها و اجزاء و ابعاض موجب نشود که ما غافل بشویم از نگاه به کل، چون نگاه به کل برای ما درس‌آموز است.^۲ ما نمی‌توانیم سرمان را پائین بیندازیم و نفهمیم در دنیا چه می‌گذرد، همین‌طور جلو برویم. این جور حرکت کردن که انسان چشم و گوش بسته، بدون توجه، بدون نگاه به اطراف، بدون نگاه به واقعیت‌ها، بدون نگاه به افق‌های دوردست حرکت کند، غالباً به گمراهی و اشتباه منجر خواهد شد.^۳

ممکن است ما خیلی بد باشیم، خیلی ناقص باشیم؛ برای حمل این پیام خیلی کوچک باشیم، اما این پیام، پیام نجات بشر است، این پیام، پیامی برای بشریت است و بشر به آن احتیاج دارد.^۴ من و شما کاره‌ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. من و شما وسائلی هستیم که اگر عقل به خرج بدهیم، اختیار خودمان را به کار بیندازیم، وارد میدان بشویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما می‌ماند؛ اما اگر ما هم نباشیم، «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَ»،^۵ بار خدا بر

۱. در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی

۱۳۶۹/۰۹/۱۴

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

۳. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴/۷/۱۳۹۰

۴. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت روز «عید مبعث» ۲۰/۱۰/۱۳۷۲

۵. مائده/ ۵۴

زمین نمی ماند، پیش خواهد رفت؛ یک حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است؛ «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ»^۱.

استحکام نظام با گذشت زمان

از روز اول انقلاب تا امروز، آرمانهای انقلاب برای آحاد مردم ما روشن تر شده است. آن روز گفتیم جمهوری اسلامی، آن روز گفتیم پیشرفت اسلامی، بتدریج در طول این سالها، این واژه‌ها معنای خودش را برای ما روشن کرده. میدانیم که جمهوری اسلامی یعنی چه. مردم سالاری اسلامی، تکیه‌ی نظام بر آراء مردم، انتخاب مردم، خواست مردم یعنی چه. میدانیم اینی که گفتیم «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، استقلال یعنی چه. این مهمترین پیشرفت است. «توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»^۲. یکی از پیشرفتهای یک نظام این است که هرچه زمان میگذرد، ریشه‌ی او مستحکمتر بشود، شاخ و برگ او گسترده‌تر بشود، بدنه‌ی آن استحکام بیشتری پیدا کند. امروز بدنه‌ی نظام جمهوری اسلامی، استحکامش از سال ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و آن سالهای اولیه بیشتر است. آن روز دشمنان ما احتمال بیشتری میدادند که بتوانند نظام را سرنگون کنند. امروز امیدهای آنها بمراتب ضعیف شده است و در موارد بسیاری این امیدها تبدیل به یأس شده. این استحکام نظام را نشان میدهد.^۳

مراحل پنج‌گانه تحقق اهداف اسلامی

(اکنون) یک فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی را در یک بخش مهم از جهان که کشور بزرگ و عزیز ایران است، تحقق بخشیم و آنها را پیاده کنیم.^۴ تحقق آرزوهای اسلامی، کار ده سال و بیست سال نیست؛

۱. فتح/۲۳

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۸/۰۶/۱۳۸۸

۳. ابراهیم / ۲۵

۴. بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان ۲۸/۰۶/۱۳۹۱

۵. در دیدار مسوولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹

تحقق آرزوهای اسلامی، کار بلندمدت است و باید به تدریج انجام بگیرد،^۱ تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت.^۲

ما می‌خواهیم آن نظام، آن تشکیلات و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد؛ یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ زنجیره مستمری که به هم مرتبط است. حلقه اول، انقلاب اسلامی است.^۳ انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن.^۴ نظام یک نظام پیش‌ساخته - مثل خانه‌های پیش‌ساخته - نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد.^۵

بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان یعنی ماها به گونه اسلامی. این مرحله سوم است که از آن به ایجاد دولت اسلامی تعبیر می‌کنیم. مرحله چهارم که بعد از این است، تشکیل جامعه اسلامی^۶ (و) کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن^۷، تشکیل امت اسلامی^۸ (و) دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۹

۱. در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ماه مبارک رمضان ۱۳۷۰/۱۲/۴

۲. در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

۳. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۴. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۵. در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

۶. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۷. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۸. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۹. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

فرآیند تحقق اهداف اسلامی/ ۲۲

فصل دوم

مرحله انقلاب اسلامی

قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه (مراحل فرآیند) است، ایجاد انقلاب اسلامی است؛ کار آسانی نبود، لیکن این آسان‌ترین است.^۱ ایجاد این قدرت الهی و اسلامی، امر بسیار دشواری است. این چیزی که الآن پیش آمده و شما می‌توانید از طریق آن، این هدف‌ها را تحقق ببخشید، آسان به دست نیامده است. صدها شرط و صدها موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. این طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه‌ای بتواند پیش بیاید؛ نه. در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آن قدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت تا شرایط آماده شد برای این که انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط، آسان به دست نمی‌آید. (اینکه) این همه شرایط با همدیگر مجتمع شوند تا چنین چیزی پیش آید، چیز بسیار مستبعدی است، البته نه این که ممکن نیست - قطعاً اگر شرایط را پیش بیاورند، در همه جا ممکن است - لیکن در کشور ما به هر حال این شرایط پیش آمد و شد و این پدیده بسیار مغتنم و دیرپاب و عجیبی است، باید قدر این را دانست.^۲

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۲. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

ملت ایران جانشان را به کف دست گرفتند

در انقلاب ما، در حرکت عمومی ملت ما، در سرتاسر این کشور بزرگ شاید روستائی نبود، شهر کوچکی نبود که در او شعبه‌ای از این شعله‌ی مقدس چشمها را خیره نکند. همه جا، سرتاسر کشور یک شعار، یک مطالبه، یک همت بر همه‌ی دلها و ذهنها حاکم بود. مردم به معنای واقعی کلمه این بار سنگین را با جسمهای خودشان، با روحهای خودشان، با دلهای خودشان بلند کردند. توی خیابانها مردم با جسم خودشان در مقابله‌ی با طاغوت حاضر شدند؛ در دنیا هم چنین چیزی سابقه نداشت. شما امروز نگاه کنید توی بعضی از این کشورها، توده‌ی مردم برای پیشبرد کارهایشان سلاح دستشان است؛ دست ملت ایران سلاح نبود. با دست خالی، با جسم خودشان آمدند وسط میدان. دل خودشان را، قلب خودشان را، خون خودشان را کف دست گرفتند آمدند میدان. خب این بدون ایمان نمیشود؛ این بدون یک ایمان عمیق امکان ندارد. این ایمان عمیق در بین مردم گسترده شد، آمدند وسط میدان، و خون بر شمشیر پیروز شد و این طبیعت همه جاست؛ همه جا همین جور است. هر جا ملتها حاضر به فداکاری باشند، جانشان را کف دست بگیرند، بیایند، هیچ قدرتی در مقابل آنها یارای مقاومت ندارد. همیشه خون بر شمشیر پیروز میشود.^۱

شما خیال نکنید اینی که حالا فلان کشوری که تازه انقلاب کرده، آمریکائی‌ها فشار می‌آورند، غربیها فشار می‌آورند، مسئولینشان را وادار به یک موضعگیریهائی میکنند، این در ایران نبود؛ چرا، این جا هم بود. این جا هم همین فشارها وجود داشت، کسی به این فشارها اعتنا نمی‌کرد. امروز هم نظام جمهوری اسلامی به حول و قوه‌ی الهی، خودش را مجبور نمی‌بیند که حرف هیچ ابرقدرتی را، خواست هیچ قدرت سلطه‌گر و مداخله‌گری را قبول بکند. هر چه که به صلاحش بود، آن را میپذیرد و عمل میکند، هر چه به صلاحش نبود، آن را به یک کناری می‌اندازد، ولو همه‌ی قدرتهای عالم عصبانی بشوند، خشمگین بشوند؛ سیاست این است. این، به خاطر اتکا به ایمان مردم

^۱ بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان ۱۳۹۲/۰۶/۲۸

است.^۱

معنا و مفهوم انقلاب و حرکت انقلابی

انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زدو خورد و شلوغ‌کاری و امثال این‌ها نیست؛ برخلاف آن برداشت‌هایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم، یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشت‌های غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زورآزمایی امکان‌پذیر نیست، اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال این‌ها باشد، نه ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهیج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست، هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به‌جای آن گذاشته می‌شود.^۲

منظور از انقلاب اسلامی، حرکت انقلابی است، والا به یک معنا انقلاب شامل همه این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند.^۳

انقلاب یک چنین حالتی است، مثل آنچه که قدیمی‌ها می‌گفتند: اکسیر، کیمیا، که عنصر مس را به عنصر طلا تبدیل می‌کند. این البته حالا ممکن است در ذهن بعضی‌ها افسانه به نظر برسد، افسانه هم نیست، واقعیت داشته و دارد. انقلاب یک چنین چیزی است، تغییردهنده است، دگرگون‌کننده است. این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجه‌ی اول، در لایه‌ی درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست. اولین

۱. بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان ۱۳۹۲/۰۶/۲۸

۲. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۳. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

تغییر، اینجا داده می‌شود، در دل‌ها.^۱

معنا و مفهوم حفظ انقلاب

امروز من عرض میکنم هویت سپاه که هویت پاسداری است، به معنای یک مفهوم محافظه‌کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را میتوان با یک تفسیر محافظه‌کارانه معنا کرد. یعنی بگوئیم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم؛ من این را نمیگویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده. هدفها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهایی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند. هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است با همه‌ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض‌شدنی نیستند؛ یعنی ما نمیتوانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. بگوئیم خیلی خوب، یک روز میخواستیم عدالت برقرار کنیم، حالا میگوئیم عدالت که نمیشود، یک نیمه‌عدالتی برقرار کنیم! نه، عدالت. این، هدف است. توحید، استقرار شریعت اسلامی به طور کامل، اینها اهداف است، اینها تغییرپذیر نیست.^۲

هدف از انقلاب اسلامی

هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود، یعنی یک کشور اسلامی بشود. برای این که این کار تحقق پیدا کند، در درجه اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای این که بنای ضایع و پوسیده

۱. بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۸۷/۷/۷

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، دوم شعبان ۱۴۳۲، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

و کج و بدبینان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم^۱ و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده [کنیم].^۲

انقلاب برای این نیست که کسانی بروند و کسان دیگری بیایند. انقلاب برای این است که ارزش‌ها در جامعه تغییر کند. اعتبار و ارزش انسان به عبودیت خدا باشد. انسان بنده‌ی خدا باشد، برای خدا کار کند، از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد، از خدا بخواهد، در راه خدا کار و تلاش کند، در آیات خدا تدبر کند، عالم را درست بشناسد، کمر به اصلاح مفاسد جهانی و بشری ببندد و از خود شروع کند. هرکدام ما از خودمان شروع کنیم.^۳ انقلاب می‌خواهد این ملت و این کشور را عزیز، سربلند، مرفه، دارای برجستگی‌های مادی و معنوی، برخوردار از تعالی و تکامل مادی و معنوی کند. انقلاب می‌خواهد سلطه بیگانگان را رفع و فرودستی و ذلت را که مدتی سعی داشتند بر این کشور و بر این ملت تحمیل کنند، ریشه‌کن کند. بدبختی‌هایی را که تسلط‌های بیگانگان و دشمنان به وجود آورده است، زایل و اثر زدایی نماید.^۴ انقلاب برای ایجاد یک دولت به جای دولت که به وجود نیامد، برای ایجاد یک نظام، یک مجموعه‌ی ملی و انسانی بر اساس یک تفکر به وجود آمد. آن تفکر، تفکر اسلام است.^۵

هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار

۱. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۲. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۰.

۴. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸.

۵. بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۸۷/۷/۷.

بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش‌های ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست. خوب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم.^۱

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

اصلاح بخش اصلی تمدن؛ هدف پیش رو

البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»،^۱ یا: «واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً».^۲ یعنی حتّی اعتصام به حبل‌اللّه هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا».^۳ چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی مان رعایتهای لازم را نمیکنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرتهای روزانه، به همدیگر به طور کامل راست میگوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف میزنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار میگریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد میکنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و نابردباری در میان بعضی از ماها چیست؟ و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن،

^۱ مائده/۲

^۲ آل عمران/۱۰۳

^۳ همان

فرآیند تحقق اهداف اسلامی/۳۲

مبتنی بر اینهاست. نمیشود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرُبناهی‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت.^۱

^۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

فصل سوم

مرحله تشکیل نظام اسلامی

حلقه بعد، نظام اسلامی است.^۱ انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است.^۲ بعد از آن که ملت عزیز ما این حرکت عظیم را انجام داد، حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی - یعنی ترتیب اداره کشور، همان طوری که اسلام گفته است - در این کشور به وجود بیاورد.^۳

معنا و مفهوم نظام اسلامی

نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن، مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می کند، یعنی نظام اسلامی.^۴ نظام اسلامی یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود.^۵ یعنی آن هویت کلی که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می کنند.^۶

۱. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۲. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۳. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

۴. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۵. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۶. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

در نظام اسلامی - یعنی مردم‌سالاری دینی - مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به‌وسیله منتخبان خودشان در اختیاردارند؛ اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه‌ی هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده‌ی صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. نکته‌ی اصلی در مردم‌سالاری دینی این است.^۱

نظام اسلامی - یعنی ترتیب اداره‌ی کشور، همان طوری که اسلام گفته است - در این کشور به وجود بیاورید.^۲ این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم‌سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را - از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان - مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌کنند.^۳

نظام اسلامی یعنی چه؟ یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت - قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه، رهبری، قوه‌ی قضائیه و دیگر ارکان - چیده شد و قانون اساسی آمد همه‌ی این‌ها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت. این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را - که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند - می‌طلبد.^۴

هدف از تشکیل نظام اسلامی

آنچه را که امام بزرگوار، با دست قدرتمند و معجز نشان خود به وجود آورد، بر اساس اسلام بود، یعنی هدف‌های نظام اسلامی، هدف‌های اسلامی است، روش‌ها و

۱. بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی سال ۱۳۸۰.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در سال ۱۳۸۴.

۳. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

۴. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت در سال ۱۳۸۴.

۳۷ / مرحله تشکیل نظام اسلامی

برنامه‌های نظام اسلامی هم همان مقررات و برنامه‌ها و احکامی است که در منابع اسلامی تبیین و معین شده است، یعنی نظام اسلامی، نظامی است که صد درصد برخاسته از اسلام است.^۱

فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌اش از اول تدوین فقه است. بنابراین سابقه‌ی فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌ی عریقی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل - توأمأ - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله‌ی ولایت فقیه را مطرح کرد. بر اساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد. این، اولین تجربه هم هست. چنین تجربه‌ای را ما در تاریخ نداریم؛ نه در دوران صفویه داریم، نه در دوره‌های دیگر.^۲

ما این چهارچوب را اسلام قرار دادیم، چون ملت ایران، ملت مسلمان‌اند، مؤمن‌اند.^۳ امتیاز نظام اسلامی در این است که این چارچوب، احکام مقدّس الهی و قوانین قرآنی و نور هدایت الهی است که بر دل و عمل و ذهن مردم پرتوافشانی و آن‌ها را هدایت می‌کند. مسئله هدایت مردم یکی از مسائل بسیار مهمی است که در نظام‌های سیاسی رایج دنیا - به‌خصوص در نظام‌های غربی - نادیده گرفته شده است. معنای هدایت مردم این است که بر اثر تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه‌های فضیلت، کاری بشود که خواست مردم در جهت فضایل اخلاقی باشد و هوس‌های فاسد کننده‌ای که گاهی به نام آراء و خواست مردم مطرح می‌گردد، از افق انتخاب مردم دور شود.^۴ حکومت اسلامی و ولایت فقیه‌ای که امام (ره) آوردند و ابتکار و مطرح کردند، به همان معنای حکومت اسلامی است، یعنی حکومت اسلام، حکومت دین و

۱. بیانات در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۷۶.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۷/۰۶/۱۳۹۰.

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد ۱۲/۱۰/۱۳۸۶.

۴. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی ۱۱/۰۵/۱۳۸۰.

حکومت شریعت، به همین معنا فهمیده شود؛ فضای جامعه، با شریعت و فقه و احکام و عمل اسلامی پُر شود.^۱

نظام اسلامی و جمهوریت

پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا ۱۴ ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی (انجام شد) که در یکی از آن‌ها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به‌عنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند،^۲ مردم ما جمهوری اسلامی (را) انتخاب کردند. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است.^۳

جمهوری اسلامی، از لحاظ معنای تحت‌اللفظی، بر دو پایه استوار است: یکی جمهور مردم، یعنی آحاد مردم و جمعیت کشور. این‌ها هستند که امر اداره کشور و تشکیلات دولتی و مدیریت کشور را تعیین می‌کنند. دیگری اسلامی (است)، یعنی این حرکت مردم، بر پایه تفکر اسلام و شریعت اسلامی است.^۴ دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد^۵

مقابله دشمن با نظام‌سازی اسلامی

نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی می‌توانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این طور شده؛ در الجزایر همین‌طور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمان‌ها بودند؛ اما بعد از آن که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به

۱. در دیدار اعضای هیئت‌علمی کنگره امام خمینی(ره) ۰۴/۱۱/۱۳۷۸

۲. بیانات در پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۲۸/۰۲/۱۳۷۲.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴/۰۷/۱۳۹۰.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۰/۰۱/۱۳۶۹.

۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران در سال ۱۳۸۴.

مبانی تفکر اسلامی نداشتند، قدرت را در دست گرفتند. این جا هم همین کارها داشت می شد، در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن از این کارها داشت می شد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت می کردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظام‌های سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه کارگر - (را) تحقق بدهند و بعد هم چند نفر سر کار بیایند، منتها امام قدس سره را محاسبه نکرده بودند؛ این گوهر خدشه‌ناپذیر شکست‌ناپذیر را در محاسباتشان ندیده بودند، لذا سخت ضربه خوردند. حتی روز سوم بعد از پیروزی انقلاب، راه افتادند جلوی بیت امام قدس سره در مدرسه علوی آمدند و تظاهرات کردند و مطالبات به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند، ولی نظام اسلامی تشکیل شد، پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت.^۱

چالش بزرگ؛ حفظ هویت نظام

یک چالش بزرگی همواره بر سر راه حفظ هویت این نظام وجود داشته است؛ الان هم وجود دارد، بعد از این هم خواهد بود. آن چالش عبارت است از چالش بین وفاداری و حفظ خطوط اصلی - یعنی اصول و مبانی نظام - از یک طرف، و دستاوردهای پیشرفت مادی و معنوی برای نظام از طرف دیگر. وقتی که این اهداف در میان مدت یا در کوتاه مدت تحقق پیدا نکرد، این وسوسه به سراغ نخبگان و زیدگان و مسئولان می‌آید که نکنند پابندی ما به این اصول است که مانع میشود ما به این اهداف دست پیدا کنیم. این یک چالش بسیار مهمی است. من مدتها قبل در یک صحبتی اشاره کردم که یکی از مظاهر عظمت امام بزرگوار عبارت بود از صبر در این قضیه. صبر ایشان به این معنا بود که تحمل کرد. در برابر فشارهایی که می‌آمد، که آقا اگر چنانچه این حکم را نکنید، اگر قضیه‌ی سلمان رشدی را مطرح نکنید، اگر چه نشود، اگر چه نشود، ممکن است ما به این موفقیتها دست پیدا کنیم، ایشان تسلیم نشد؛ ایشان

پافشاری کرد. این چالش تا امروز هم وجود دارد. به خاطر اینکه مشکلاتی در رسیدن به آن هدفها پیش می‌آید، از اصول دست برداریم، حالت قناعتِ حداقلی پیدا نکنیم؛ و بدانیم که اگر ما از اصول دست برداشتیم، حتی هویت نظام که از بین خواهد رفت، به آن هدفها هم نمیرسیم. من یادم هست آن سالهای اول انقلاب، از جمله‌ی حرفهائی که زده میشد، این بود که بایستی ما انقلاب را سر عقل بیاوریم! یعنی عقلانیت را به عنوان یک وسیله، بهانه قرار بدهند و از اصول و مبانی و پایه‌های اصلی صرف نظر کنند؛ این نباید انجام بگیرد.^۱

«و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوك عن سبیل اللّٰه ان یتبعون الا الظنّ و ان هم الا یخرسون».^۲ نبایستی اصول را پامال کرد. البته این کار مهمی است؛ پیچیدگی‌هایی دارد، سختی‌هایی دارد و گاهی در موارد گوناگون، برای نخبگان و زبندگان تردیدهایی پیش می‌آید. به عنوان یک اصل قطعی موضوعی، باید این را مسلم گرفت که پایبندی به اصول و حفظ خطوط اصلی نظام اسلامی، اصل است. بر اساس این، باید دنبال پیشرفتها گشت. ما امتحان کردیم، دیدیم که میشود اصول را حفظ کرد، به پیشرفتها هم رسید. همچنین باید بدانیم نصرت الهی هم بسته‌ی به همین است که ما این مبانی و اصول را حفظ کنیم. نکته‌ی دومی که در این زمینه عرض میکنیم، این است که نظام‌سازی یک امر جاری است؛ روزه‌روز بایستی تکمیل شود، متمم شود. اینکه ما می‌گوئیم نظام‌سازی جریان دارد، معنایش این نیست که هرچه را ساختیم و بنا کردیم، خراب کنیم؛ قانون اساسی مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و دولتی مان را ضایع کنیم؛ نه، آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم. این کار، یک کار لازمی است. ما اگر چنانچه خودمان تحول ایجاد نکنیم و پیش نرویم، تحول بر ما تحمیل خواهد شد. تحول یعنی تکمیل، پیش رفتن به سمت آنچه که

^۱ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

درست تر است.^۱

^۱ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

فصل چهارم

مرحله تشکیل دولت اسلامی

قدم بعدی - که از این‌ها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است.^۱ بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سرکار بیایند؛ یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسان‌تر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در همه‌چیزش هدایت هست.

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

معنا و مفهوم دولت اسلامی

دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی؛^۱ در اینجا منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را بر عهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور.^۲ دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است، نه فقط قوه مجریه، یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گزاران عمومی،^۳ دولت نه به معنای هیئت وزیران، یعنی مجموعه کارگزاران حکومت، یعنی من و شما،^۴ دولت به معنای عام، یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه.^۵ اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند. این می‌شود دولت اسلامی.^۶ معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار باارزش است. ان‌شاءالله به این شعار پایبند بمانید و این تلاش را جدی‌تر، بی‌آسیب‌تر و واقعی‌تر کنید.^۷

هدف از تشکیل دولت اسلامی

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه در دوره تعیین نظام اسلامی به وجود آمد - یک قانون اساسی درست شد، نهادها و بنیان‌های اداره کشور و مدیریت

۱. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۲. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۳. در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۴. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۵. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۶. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت در سال ۱۳۸۴.

۷. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت در سال ۱۳۸۴.

کشور معین شد - این مجموعه نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است.^۱

«نظام اسلامی» فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد، یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را - که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند - می‌طلبد. این می‌شود دولت اسلامی. البته «مردان» که می‌گوییم، به معنای «رجال» در قانون اساسی نیست؛ شامل خانم‌ها هم می‌شود، یعنی کسان و عناصر و کارگزاران خودش را می‌خواهد. به قول شاعر، آن دو صد من استخوان را داشته باشند تا بتوانند این صد من بار را بردارند.^۲

دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است.

ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم. باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست. اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لُنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لُنگ ببندیم و راه برویم. نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک دامن، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم. باید به سمت اینها برویم. این اساس کار ماست؛ و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد. چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است. بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن

۱. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۲. در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند. جنجال و هیاهو می‌کنند. اهمیتی هم ندارد.^۱

ویژگی‌های دولت اسلامی

برای اینکه کشور اسلامی به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند. در این راه هم حرکت کردیم؛ مسئولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور باایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند، اما دولت اسلامی‌ای که بتواند مقاصد را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن‌ها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف‌ومیل بیت‌المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، همه این‌ها وجود دارد.

(بعضی‌ها) نگویند اینها مربوط به هزار و چهارصد سال قبل است. بعضی‌ها باز این حرف‌های تکراری و شبهه‌های صدها بار رد شده را تکرار می‌کنند. حقایق بشری و اصالت‌های بشری باگذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسان‌ها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند.

انسان‌ها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا آخر دنیا به مسئولانی که نسبت به آنها وفادار باشند، در خدمت آنها باشند و برای آنها صادقانه عمل کنند، احتیاج دارند؛ اینها که تغییرپذیر نیست. درس امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه ناظر به این چیزها است. این اصالت‌ها و این ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان می‌کند، ما آنها را می‌خواهیم، والا ما که نمی‌گوییم اگر خواستیم از این

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام در سال ۱۳۸۳.

شهر به آن شهر برویم، مثل زمان امیرالمؤمنین علیه السلام برویم؛ نه، حالا با هواپیما بروید، ممکن است ده سال دیگر با یک وسیله بسیار تندروتر از هواپیما حرکت کنید. آن روز، نامه می فرستادند که دو ماه در راه بود، امروز شما با اینترنت لحظه به لحظه با آن طرف دنیا حرف می زنید. اینها متغیرات است، اما عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است، حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ این که تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدم هایی را که تا امروز بحمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتیم، به وجود خواهد آمد، یعنی دولت اسلامی می تواند کشور اسلامی (را) به وجود بیاورد.^۱

تعهد اصلی دولت اسلامی

اگر من و شما در معاشرتمان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لوموا انفسکم».^۲

اول، ما اسلامی می شویم. وقتی اسلامی شدیم، «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»؛^۳ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد،^۴ دولت اسلامی است که کشور اسلامی (را) به وجود می آورد.^۵ اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد.^۶ بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد،

۱. در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۲. در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

۴. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۵. در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۶. در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه اسلامی را تحقق ببخشد.^۱

شاخص های دولت اسلامی

در این جلسه‌ی آغازین با شما دوستان عزیز، یک مروری بکنیم به شاخصهای دولتی که در این روزگار دولت مطلوب محسوب میشود. البته ما ادعا نداریم که دولت ما یک دولت اسلامی به معنای حقیقی و کامل کلمه است. بنده به خودم نگاه میکنم، نقصها و ضعفهای بی‌شماری در خودم مشاهده میکنم، این را که مقایسه میکنم با کوچک‌ابدال‌های مقامات عالی‌مقام و مطهری که در صدر اول اسلام را به ما هدیه کردند، می‌بینم ما خیلی کوچک‌تر از این هستیم که بتوانیم آن دولت مطلوب را تشکیل بدهیم یا حتی طاقت بیاوریم؛ ولی به‌حسب آنچه که در روزگار ما و با شرایط ما میتوان دولت اسلامی نامید، یک شاخصهایی وجود دارد که من به بعضی از آن شاخصها اشاره میکنم. البته حرفهای تازه‌ای نیست، اینها را خود شماها میدانید؛ متها یادآوری آنچه را که میدانیم همیشه برای ما مفید است و ضرری ندارد که اینها را دوباره یک مروری بکنیم.^۲

۱- شاخص اعتقادی و اخلاقی

اولین شاخص، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود. این شاخص اول است. ما خوشبختانه برای اعتقاد درست و برای آنچه که باید آن را حق دانست، دچار ابهام و سردرگمی نیستیم؛ علاوه بر منابع اسلامی - که حالا ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند - ما مجموعه‌ی رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد

۱. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۲. در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت یازدهم، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

اعتقاد و قبول و اذعان همه‌ی ما است. خب، مجموعه‌ی بیانات امام، مجموعه‌ی موضع‌گیری‌های امام، مجموعه‌ی رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص؛ به این باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل بکنیم؛ در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این میشود سلامت اعتقادی. اصول و ارزشهای انقلاب هم همینها است، مبانی ارزشی انقلاب هم در همین بیانات وجود دارد. اینها چیزهایی است که اگر به آنها پابند باشیم و دلبسته‌ی به آنها باشیم و برنامه را بر اساس این دلبستگیها انجام بدهیم، به نظر میرسد که کار موفّق و خوش‌آینده خواهد بود و پیش خواهیم رفت.^۱

۲- خدمت به خلق

شاخص دوّم، مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه‌ی وجود ما جز این نیست؛ ما آمده ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دلبستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، اینها همه حاشیه است؛ متن عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد.^۲

در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سالها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت‌کننده‌ی بی‌قانونی نیستم؛ بشدّت ضدّ این بی‌قانونی هستم، امّا معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار مرسوم اداری، یک کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش

^۱ . در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت یازدهم، ۰۶/۰۶/۱۳۹۲

^۲ . همان

نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت بخوبی انجام بگیرد.^۱

۳- عدالت

شاخص سوّم، مسئله‌ی عدالت است. بنده بارها عرض کرده‌ام - در جلسات خصوصی با بعضی از شماها در طول این سالها - معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت. ما این دهه را اسم گذاشتیم به "دهه‌ی پیشرفت و عدالت". پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدّن پرجلوه‌ی غرب، امروز دارید مشاهده میکنید. ثروت و قدرت و علم و فناوری، بیشتر از آن چیزی که اینها دارند برای این دوره تصوّر نمیشده؛ اینها حداکثر را دارند، اما در عین حال شما ملاحظه کنید آنجا عدالت وجود ندارد.^۲

۴- سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد

شاخص بعدی که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است. ببینید منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمیگذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت میکنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پائین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیر بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آنچنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود. حتی قبل از آنکه دستگاههای نظارتی وارد بشوند؛ خب، ما دستگاههای نظارتی در کشور داریم، آنها وظیفه‌ی ای دارند؛ چه آنچه مربوط به مجلس است، چه آنچه مربوط به قوه‌ی قضائیه است، چه آنچه مربوط به خود قوه‌ی مجریه

۱. همان

۲. همان

است - مثل بازرسیهای قوه‌ی مجریه - لکن قبل از آنکه نوبت به آنها برسد، خود مدیر دستگاه مراقب سلامت [آن] باشد و این احتیاج دارد به نگاه دائم؛ غفلت نباید کرد.^۱

۵-قانون گرای

شاخص بعدی، مسئله‌ی قانون گرای است. خب قانون گرای خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاهها این باید نهادینه بشود. و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاستهای کلی، سند چشم انداز، مصوبات شوراها، عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی. این قانون گرای و قانون مداری اگر چنانچه جا افتاد، مسلماً خیلی از آسیبها از بین خواهد رفت. از جمله‌ی چیزهایی که من خوب است اینجا در سیاستهای کلی یادآوری کنم، یکی سیاستهای تحوّل نظام اداری است که تصویب هم شده، ابلاغ هم شده. ما واقعاً در زمینه‌ی مسائل اداری و نظام اداری دچار مشکلات و آسیبهای دیرپا و مزمن هستیم. این سیاستها مطرح شده، در مجمع تشخیص مورد بررسی قرار گرفته و ابلاغ شده، به نظر من سیاستهای بسیار خوبی است، باید برای اینها برنامه‌ی اجرایی گذاشت و عملیاتی کرد که از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم است که متأسفانه مانده، تأخیر هم شده است و به جریان نیفتاده.^۲

۱. همان

۲. همان

۶- حکمت و خردگرایی

یک شاخص دیگر، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی میگذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه‌ی سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد میکند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره‌ی یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان میرسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریتها و در کارها است. و از جمله‌ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی است در مسائل کشور که خوشبختانه ما در زمینه‌ی کارشناسی، امروز ظرفیت خیلی خوبی در کشور داریم؛ انصافاً انسان نگاه میکند، در بخشهای مختلف، ظرفیت کارشناسی کشور بالا است، ما اگر از این ظرفیت و [از] این نیروهای فراوانی که بعد از انقلاب پرورش پیدا کردند و به عرصه‌ی خدمت و کار وارد شدند استفاده کنیم، حتماً سود خواهیم برد.^۱

۷- ظرفیت درون زای کشور

یک شاخص دیگر هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از

^۱. همان

مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روشهای خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها میشود خردمندان به‌بره‌برداری کرد.^۱

فصل پنجم

مرحله تشکیل جامعه و کشور اسلامی

این مرحله، مرحله تالؤلؤ و تشعشع نظام اسلامی است، یعنی مرحله ایجاد کشور^۱ (و) جامعه اسلامی.^۲ مرحله‌ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد.^۳

معنا و مفهوم کشور اسلامی

کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد، رفاه اقتصادی هم می‌آورد، فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۳. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

اسلامی شود.^۱ جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوه‌های بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند؛ جامعه عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. پس این هدف اصلی و مهم میانه ما شد.^۲

(در کشور اسلامی) هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولت‌مردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی‌میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌ای، جریان‌ی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند، اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد.^۳

هدف از تشکیل کشور اسلامی

هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَي النَّاسِ»،^۴ آن‌چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه تمدن‌ها و مدنیت‌ها.^۵ اگر این مرحله به وجود آمد، آن‌وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم.^۶

اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیت

۱. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

۲. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۳. در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

۴. سوره بقره، آیه ۱۴۳

۵. در دیدار گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت روز پاسدار، روز جانباز و روز دانش‌آموز

۱۳۷۹/۸/۱۱

۶. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

خداست. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است.^۱

ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود، یعنی یک کشور اسلامی بشود.^۲

آنچه ما تصور میکنیم این است که (مسئولین باید) سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدام‌ها در نظر داشته باشد: مؤلفه‌ی اوّل عبارت است از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمان‌ها مطلقاً ناپیوستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله‌ی کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد.^۳

ارکان کشور اسلامی

هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد. بر این چهارستون اصلی است که جامعه رو به رشد اسلامی شکل می‌گیرد و قوام و استحکام می‌یابد و

^۱ . بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

^۲ . در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

^۳ . بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۰۶/۱۴

استعدادها شکوفا و سرچشمه‌های نیکی و بهروزی جوشان می‌شود و جامعه اسلامی، الگوی جذابی برای همه ملت‌ها می‌گردد.^۱

رفاه مادی

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه مصرف‌گرایی نیست - که خود، یکی از سوغات‌های شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بربندد.^۲

کشور از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد، از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه اقتصاد و بقیه موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده پیشرفت و شکوفایی باشد، باید استعدادها در آن جامعه بشکفد، همه انسان‌ها بتوانند در آن با توان خداداده خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و باهم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد.^۳

عدالت اجتماعی

عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌ها است، یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند.^۴ عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخوردارهای نابحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان

۱. در پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

۲. همان

۳. در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰.

۴. همان

که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلاب‌اند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد، با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود، همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد و همه کس بداند که باکار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.^۱

همه‌ی ادیان متفقند در اینکه پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است. یعنی قطعاً می‌گویند که یک دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود، که آن دوران استقرار دین کامل است. ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. مکمل این نکته این است که اساساً رویکرد نگاه اسلامی به عدالت، با رویکرد نظام‌های غربی و نظریه‌های غربی متفاوت است. در اسلام، عدالت ناشی از حق است؛ یک کار مهم دیگر، شاخص‌گذاری است؛ تعیین شاخص‌های عدالت. خب، امروز شاخص‌هایی که در غرب مطرح است، به طور مشروط قابل قبول است؛ ما باید بنشینیم مستقلاً شاخص‌های عدالت را، استقرار عدالت در جامعه را پیدا کنیم؛ یکی از بخش‌های مهم کار این است. در مسئله‌ی عدالت، اعتقاد به مبدأ و معاد، یک نقش اساسی دارد؛ انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه‌ی ظالمانه، در عرصه‌ی تجسم اعمال در قیامت، چه بلائی به روز او می‌آورد، طبعاً به عدالت نزدیک میشود.^۲

روحیه و آرمان انقلابی

روحیه و آرمان انقلابی، بدین معنی است که میل به زندگی راحت و مرفه، جامعه و مسئولان را به سازش کاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرت‌های جهانی و غفلت از توطئه استکبار و بی‌اعتنایی به پیام جهانی انقلاب نکشاند. آن روزی که خدای نخواست

۱. در پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

۲. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۲۷/۰۲/۱۳۹۰

جمهوری اسلامی، رفاه و آبادی را هدف عمده خویش قرار داده و در این راه، حاضر به چشم پوشی از آرمان‌های انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه امیدها خواهد بود و خدا چنین روزی را ان شاء الله هرگز نخواهد آورد.^۱

تحقیق اخلاق و کمال انسانی

چنانچه مقررات الهی مستقر شد؛ نظم متکی به اسلام به وجود آمد و عدالت اجتماعی تحقق پیدا کرد، هنوز یک هدف متوسط یا در واقع یکی از مراحل راه طی شده است. مرحله بعد آن است که مردمی که در این نظام، به آسودگی، بی‌دغدغه و با برخورداری از عدل زندگی می‌کنند، برای تخلُّق به اخلاق حسنه، فرصت و شوق پیدا کنند. بعد از تشکیل حکومت، این هدف است، بلکه بعد از تشکیل نظام عادلانه و استقرار عدالت اجتماعی و حکومت واقعاً اسلامی، هدف این است. این، هدف بعدی است. انسان‌ها باید به اخلاق حسنه تخلُّق پیدا کنند که البته تخلُّق به اخلاق حسنه هم موجب تعالی و تکامل معنوی و روحی و معرفت برتر است و آن از مراحل انسان کامل است.^۲

وقتی جامعه (اسلامی) تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیت این جامعه است که انسان‌ها بتوانند در سایه سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند که «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ انسان‌ها به عبودیت برسند. (اینکه) «لیعبدون» را به «لیعرفون» معنا کردند، معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ»، عبادت به معنای معرفت است؛ نه بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد؛ عبادت نیست؛ بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلُّق به اخلاق الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. هدف اعلی برای انسان عبارت از وصول به حق، رسیدن به

۱. همان

۲. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید مبعث در سال ۱۳۷۵.

قرب باری تعالی و تخلق به اخلاق الهی است.^۱

برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهواتِ ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق کشی و نامردمی و مال اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت های اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزش های اصلی به حساب آید.^۲

در چنین جامعه ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش رونده مادی پیشرفت کند، دل های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود، انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه ای بایستی رایج شود. اینجا است که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم.^۳

نتایج و برکات کشور اسلامی

(اگر) کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی (شود)، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه کن می شود، عزت حقیقی برای مردم به وجود می آید، جایگاهش در روابط بین الملل ارتقاء پیدا می کند؛ این می شود کشور اسلامی.^۴ کشور اسلامی وقتی تشکیل شد، معنایش این است که دنیای مردم آباد خواهد شد، نه به معنای آبادی ای که در نظام های مادی وجود دارد. در نظام های مادی آبادی وجود دارد، یعنی قدر مطلق پیشرفت های مادی خوب است، اما در مورد همان پیشرفت های مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد، یعنی شما الان مثلاً می بینید که در کشور ثروتمندی مثل آمریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیا است، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیا است؛ از سرما می میرد، از گرما می میرد، از گرسنگی می میرد.

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۲. همان

۳. در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰.

۴. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

طبقه متوسطی در آنجا زندگی می‌کنند که اگر شبانه روز، تمام وقت با همه توان کار نکنند، نمی‌توانند شکمشان را سیر کنند. این برای بشر خوشبختی نیست، این برای یک جامعه خوشبختی نیست، بلکه تولید ناخالص داخلی اش را نگاه کنی، ده برابر یک کشور دیگر است؛ این که دلیل نشد، یعنی حتی در برخورداری های مادی هم عدالت نیست، همه گیری نیست، یعنی همه برخوردار نیستند؛ چه برسد به برخورداری معنوی؛ آرامش روانی نیست، توجه به خدا نیست، تقوا و پرهیزگاری نیست، پاک دامنی و طهارت نیست، گذشت و اغماض نیست، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست و نیست و نیست. این، آن پیشرفتی نیست که کشور اسلامی و جامعه اسلامی (به) دنبال آن است. آن خوشبختی ای که ما برای جامعه اسلامی، برخورداری ای که برای جامعه اسلامی قائلیم، فقط این نیست که شما اینجا نگاه می‌کنید، بلکه برخورداری مادی و معنوی، یعنی فقر نباید باشد، عدالت باید باشد، تقوا و اخلاق و معنویت و پرهیزگاری هم باید باشد. این، آن هدفی است که باید دنبال او برویم.^۱

جامعه‌ی عادلانه و عادل و پیشرفته و معنوی - با این خصوصیات - خوب، یک آرمان است؛ جزو آرمان‌های درجه‌ی یک و جزو برترین آرمان‌ها است. اسلام در پی آن است که اولاً یک جامعه‌ای ایجاد کند که عادلانه اداره شود؛ یعنی مسئولان و مدیران جامعه به عدالت رفتار کنند؛ ثانیاً خود جامعه، جامعه‌ی عادلانی باشد - عدالت مخصوص مدیران نیست؛ آحاد مردم هم باید نسبت به یکدیگر عدالت داشته باشند - و آنگاه جامعه، جامعه‌ی پیشرفته‌ای باشد. اسلام به هیچ وجه بر نمی‌تابد جامعه‌ی عقب‌افتاده‌ی در مسائل علمی، در مسائل سیاسی، در مسائل تمدنی و در هر عرصه‌ی دیگری را؛ اسلام دنبال ایجاد یک جامعه‌ی پیشرفته است؛ بخش مهمی از احکام اسلام این را فریاد می‌زند. بنابراین، این جزو آن مجموعه‌ی کلان جامعه‌ی اسلامی است. اسلام همچنین در پی ایجاد جامعه‌ی معنوی است. در نظام اسلامی، جامعه، هم عادلانه اداره می‌شود، هم در درون خود جامعه‌ی عادلانی است، هم جامعه‌ی پیشرفته است، هم جامعه‌ی معنوی است؛

یعنی از معنویت سیراب است، برخوردار است؛ معنویت که موجب می‌شود انسان اهداف حقیر مادی و شهوات روزمره‌ی زندگی را اهداف بلند خود بشمارد؛ هدف‌های والاتری، هدف‌های بالاتری برای او مطرح باشد؛ ارتباط آحاد انسان، ارتباط دل‌ها با خدا، محفوظ باشد؛ این جامعه‌ی مورد نظر اسلام است. خب، این شد یک آرمان. البته یک چنین جامعه‌ای آن وقت الگو هم خواهد شد. اگر ما بتوانیم با کوشش جمعی، یک چنین جامعه‌ای را به وجود بیاوریم - که البته به نظر من کاملاً ممکن و کاملاً قابل تحقق و عملی است و بخش زیادی هم ما در این زمینه پیش‌رفتیم - این جامعه الگو خواهد شد؛ نه فقط برای جوامع مسلمان و کشورهای مسلمان، بلکه حتی برای کشورهای غیرمسلمان. خب، ایجاد یک جامعه‌ای با این خصوصیات، یکی از آرمان‌هاست^۱

ایران اسلامی؛ الگو و نمونه کامل تمدن نوین اسلامی

جوانها! بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید.^۲

البته دشمن با همه‌ی توان روی همین نقطه دارد کار میکند. نمیخواهد این الگو جلوی چشم ملت‌های مسلمان گرفته بشود، بگویند ببینید ایران به کجا رسید. اما چه بخواهند، چه نخواهند؛ بپسندند، یا نپسندند، این اتفاق افتاده است. همین کارهای علمی و فنی و تحقیقاتی‌ای که شماها و سازمان‌های دیگر نیروهای مسلح دارند میکنند و آنچه که در خارج از نیروهای مسلح، در دانشگاه‌ها، در مراکز گوناگون تحقیقاتی، امروز دارد در کشور انجام میگیرد، اینها چیزهایی است که آینده‌ها را به طور دقیق تصویر و ترسیم

۱. بیانات در دیدار دانشجویان سراسر کشور ۱۳۹۲/۵/۶.

۲. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ - در مصالای امام خمینی رحمه‌الله تهران

میکنند؛ یعنی مهره‌های آینده را، یکی یکی دارد میچیند. اینهاست که معین میکند آینده مال کیست. این البته به برکت اسلام و روحیه انقلابی است، این روحیه را بایستی تقویت کرد. بنابراین، پاسداری از انقلاب را به این معنا بگیریم. به این معنای متحول، متطور، پیشرونده.^۱

^۱ . بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، دوم شعبان ۱۴۳۲، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

فصل ششم

مرحله تشکیل امت اسلامی و تمدن بین الملل اسلامی

فرآیند تحقق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود.^۱ خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است.^۲ وقتی جامعه (اسلامی) به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد.^۳ از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۴ یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و بادید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.^۵

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۳. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۴. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۵. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در ۱۳۷۹/۷/۱۴.

معنا و مفهوم تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است، پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است؛^۱ تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است، یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند.^۲ نه به معنای این‌که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند.^۳

آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.^۴

حساسترین بخش‌های جهان اسلام را نهضت بازگشت به اسلام و اعاده عزت و هویت و رهائی فراگرفته است و همه جا شعار «الله اکبر» به گوش میرسد. ملت‌های

۱. در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

۲. همان

۳. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۴. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴.

عرب، دیکتاتورهایشان را نمیخواهند؛ سیطره دست‌نشانندگان و طواغیت را بر خود، دیگر تاب نمی‌آورند؛ از فقر و عقب‌ماندگی و تحقیر و وابستگی به ستوه آمده‌اند؛ سکولاریزم را در سایه‌ی سوسیالیزم و لیبرالیزم و ناسیونالیزم قومی آزمودند و همگی را بن‌بست یافتند؛ دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.^۱

هدف از تشکیل تمدن اسلامی

به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط».^۲ قطعاً این آیه حکم می‌کند بر اینکه هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بینات - یعنی حجت‌های متقن و غیرقابل تردیدی که پیغمبران ارائه می‌دهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنج‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است؛ «لیقوم الناس بالقسط». البته شکی نیست که قیام به قسط و همه آنچه که مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه آن هدف خلقت است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»^۳ یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خدا است. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، هدف نبوت‌ها و ارسال رسل است که از جمله آن، آن چیزی است که این آیه به آن تصریح می‌کند. البته تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهداف ارسال رسل اشاره می‌کند که این‌ها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف

^۱ . خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است.^۱

تشکیل یک نظامی که معنویت، جزو بافت اصلی آن محسوب می‌شود. این یک پدیده‌ی بسیار مهم و مورد نیاز بشریت هم هست، که مورد استقبال قرار گرفته است و بیشتر هم خواهد شد. نظامی که بر اساس تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید، نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو عناصر اصلی آن خواهد بود. خصوصیت این نظام، این نیست که به مسائل مادی توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات قرار خواهد داد، نه؛ این یک مغالطه و نشانه‌ی غلط دادن است؛ که در تبلیغات جهانی علیه ما، این نشانه داده می‌شود. به هیچ وجه این گونه نیست؛ بلکه معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گم‌شده‌ی از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه‌ی قدرتمندِ قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برمی‌گردد. همچنانی که انسان به نان و هوا و غذا و صنعت و علم و پیشرفت و لذا زندگی نیازمند است، به ایمان و تقوا و پاکی و پاک دامن‌ی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن هم نیازمند است؛ به اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی هم نیازمند است. این بخش دوم را پنجه‌ی مؤثر قدرتمندان مادی دنیا، به تدریج از میان بشریت دور کردند؛ صد سال پیش مثل امروز نبوده؛ دویست سال پیش باز بهتر بوده است. این خاصیت یک نظام ویژه در وضع کنونی جهان است. این نظم موجود جهان - که از صد سال، صد و پنجاه سال، دویست سال قبل قوت گرفته - اقتضانش همین بوده که دامن معنویت به تدریج از فضای زندگی انسان جمع بشود و این به ضرر بشریت تمام شده است. بشر به پیشرفت علمی نیازمند است، به اکتشافات پی‌درپی - همچنان که امروز بشر سرگرم این اکتشافات است و پیشرفت‌های شگفت‌آوری دارد - نیازمند است؛ اما در کنار معنویت. خوب، نظام اسلامی هم آن نظامی است که می‌خواهد این عنصر گم‌شده‌ی از تمدن و حیات بشری را به محیط زندگی بشر برگرداند. این در بیان، کار آسانی است؛ اما در

عمل، هم کار مشکلی است، هم معارضانِ خیلی گردن‌کلفتی دارد.^۱

چگونگی تحقق تمدن بین‌الملل اسلامی

حکومت اسلامی صرفاً ایجاد یک نظام و رژیم جدید در یک کشور نیست؛ ایجاد یک الگو است.^۲ انقلاب اسلامی، ارائه یک الگوی جدید برای زندگی اجتماعات بشری و کشورها بود و هست و هنوز هم جدید است. اگر خوب عمل کنیم، این الگو برای جوامع بشری، شاید تا قرن‌ها الگوی یگانه خواهد بود.^۳

شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفتها و تجربه‌ها است. در صدوپنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند. حاصل آنکه حقایق رو به افزایش کنونی در دنیای اسلام، حوادث بریده از ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فکری نیستند تا دشمنان یا سطحی‌نگران بتوانند آن را موجی گذرا و حادثه‌ای در سطح بینگارانند و با تحلیلهای انحرافی و غرض‌آلود، مشعل امید را در دل ملت‌ها خاموش سازند به نظر من مهمترین عنصر در این انقلابها، حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل و صحنه‌ی مبارزه و جهاد است، نه فقط با دل و خواست و ایمانشان، بلکه علاوه بر آن، با جسم و نشان.^۴

واقعاً دنیای اسلام به رهبری احتیاج دارد، آن رهبری را هم این ملت باید بکند. قرآن می‌فرماید: «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»،^۵ بنده همیشه در ذهنم بود که این امت چگونه می‌تواند شهید و گواه باشد؟ شهید یعنی نمونه و الگو. بعد در قضایای گوناگون

۱. بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۰۷/۲۵.

۲. در دیدار گروه کنیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵.

۳. در دیدار با گروه کنیری از آزادگان، مسؤولان بنیاد مستضعفان و جانبازان، معاونان پرورشی و مسئولان امور تربیتی وزارت آموزش‌وپرورش و جمعی از کارمندان شبکه بانکی کشور ۱۳۶۹/۰۶/۰۷.

۴. بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۰۶/۲۶.

۵. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

خودمان دیدم اتفاقاً اگر بخواهیم امت‌ها و ملت‌ها را هدایت کنیم، یک ملت باید بتواند الگو باشد.^۱

اگر توانستیم مرحله (تشکیل جامعه اسلامی) را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام،^۲ تشکیل امت اسلامی^۳ (و تمدن بین‌الملل اسلامی است.^۴ وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد. آن وقت فرهنگ اسلامی، فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت.^۵

ارکان و اهداف نهضت های کشورهای اسلامی

توصیه‌ی دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است. شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکومات اسلام تطبیق داده شوند. استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیسم؛ اینها ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی است و همه برگرفته از اسلام و قرآن است. توصیه‌ی مهم دیگر پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ای و مرزی است. تفاوتها را به رسمیت بشناسید و آن را مدیریت کنید. تفاهم میان مذاهب اسلامی کلید نجات است. آنها که آتش تفرقه‌ی مذهبی را با تکفیر این و آن دامن میزنند، اگر خودشان هم ندانند، مزدور و عمل‌هی شیطانند. نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد. آزادی فلسطین از چنگال درنده‌ی صهیونیستها نیز هدفی بزرگ است.^۶

۱. در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۱۱/۰۴.

۲. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۳. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۴. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۵. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۶. بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۰۶/۲۶.

عوامل تشکیل تمدن اسلامی

این چه عاملی بود که توانست این طور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدن اسلامی را پایه گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تالو و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرارداد، علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ اینها تجربیات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل اینها چیست؟ این، موضوع یک بحث خیلی طولانی است. محققان و نویسندگان روی این مسئله کار کردند؛ باز هم باید کار کنند.^۱

ایمان و اعتماد به خدا و احکام الهی

یقیناً یکی از عناصری که عامل پیشرفت اسلام بود، اعتماد به خدا و احکام الهی بود: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ».^۲ خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنین صدر اول، از اعماق دل به پیام اسلام معتقد بودند و شعارهای اسلامی، حقایق اسلامی و کافی بودن اسلام را برای نجات بشریت، حقیقتاً از بن دندان قبول داشتند. این ایمان، عامل بسیار مهمی است.^۳

ایمان هم یک موضوع کتابی و ذهنی نیست، ایمان، در عمل تقویت پیدا می کند، با عمل، ایمان اسلامی را در خودتان تعمیق کنید که این اساس کار است. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا بهتر می بیند. این مجاهدت هم سنگرهای مختلفی دارد؛ البته با تقوا و با تضرع پیش خدای متعال و با انجام عبادات و اجتناب از محرّمات. پس اول ایمان اسلامی است.^۴ اقبال دلها به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع، خیلی با ارزش است. این همان عامل است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها - لاقلاً در

۱. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۰۸/۱۵.

۲. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۳. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۰۸/۱۵.

۴. در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۰۸/۱۱.

چند قرن از قرون اولیه - دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد و الا بانگیزه‌ها و تلاش‌های مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد.^۱

بی‌رغبتی به زخارف دنیا

یک عامل دیگر، لاقط در رأس این حرکت، این بود که به خود؛ آنچه که به شخص و به بهره‌مندی‌های مادی برای خود انسان برمی‌گردد، بی‌اعتنا بودند. این عامل بسیار مهمی است. این همه که ما در روایات، در نهج‌البلاغه، در کلمات نبی اکرم صلی‌الله‌علیه و آله وسلم و ائمه‌علیهم‌السلام و بزرگان درباره بی‌رغبتی به دنیا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا برای شخص خود تأکید و توصیه داریم، به‌خاطر تأثیر عظیم این عامل است.^۲

اخلاص برای خدا

امیرالمؤمنین علیه‌السلام (می‌فرمایند): «لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلْمِ»^۳ خالصانه و مخلصانه با کسان و نزدیکان خود می‌ایستادیم و برای خدا مبارزه می‌کردیم. «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُتْبَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ»؛ وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می‌فرماید: اگر این‌طور نبود، این کارها انجام نمی‌شد؛ «مَا قَامَ لِلدِّينِ عَمُودٌ وَ لَأِ اخْضَرَّ لِلْإِيمَانِ عَوْدٌ»؛ یک شاخه ایمان سبز نمی‌شد و یک پایه دین بر سر پا نمی‌ماند. به برکت اخلاص و صدق آن مسلمین، این پیشرفت‌ها انجام شد و جامعه اسلامی پدید آمد. تمدن اسلامی و این حرکت عظیم تاریخی، امروز هم همان است و ملت ما و مسلمانان در همه عالم

۱. در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید سعید فطر» ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.

۲. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۰۸/۱۵.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۵۶.

باید این درس را از علی بن ابی طالب علیه السلام فرابگیرند.^۱ اگر انسان راه خدا را پیدا کرد و یاد گرفت که چگونه کار را برای خدا انجام دهد، آن وقت می بیند که این عشق به کار، چقدر کار را آسان خواهد کرد. تمدن اسلامی، این گونه به وجود آمد.^۲

تقوای فردی و اجتماعی امت اسلامی

وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد. آن وقت فرهنگ اسلامی، فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه اش با مراقبت و باتقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

امت اسلامی هم اگر باتقوا بود، می تواند در راه های دشوار حرکت کند؛ مشکلات در مقابل او زانو می زنند، او در مقابل مشکلات زانو نمی زند. به این جمله امیرالمؤمنین علیه السلام توجه کنید: «مَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُئُوبِهَا»؛ اگر فردی - و من عرض می کنم اگر ملتی - تقوا را برای خودش جاده عمل قرارداد و متقی شد، شداید زندگی اگر نزدیک او هم رسیده باشد، از او دور خواهد شد. «وَ اخْلُوكَ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا»؛ تلخی های زندگی برای او شیرین خواهد شد. «وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُورُ بَعْدَ تَرَكَمِهَا»؛ امواج طوفنده شداید زندگی، بعد از آن که متراکم شده باشند، از او دور خواهند شد و او بر امواج سوار خواهد شد. «وَ أُسَهِّلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصِبَابِهَا»؛^۳ دشواری ها و سختی های زندگی بعد از آن که به سخت ترین مرحله رسیده باشد، برای او آسان خواهد شد.

واقع قضیه هم همین طور است. امروز ملت های مسلمان در مقابل زورگویی قدرت - های جهانی حرفی برای گفتن ندارند؛ نه علم لازمی، نه فناوری پیشرفته ای، نه در زمینه های گوناگون سیاسی مهارتی. چرا؟ چرا ما عقب ماندیم؟ چون تقوا را از دست دادیم. این همان شدت هایی است که باتقوا برطرف می شود. هر چه کمبود داریم، به

۱. در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۶/۰۱/۱۳۷۰.

۲. در دیدار فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران ۲۹/۰۶/۱۳۷۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

خاطر بی‌تقوایی است.^۱

مجاهدت

آنچه آن تمدن را پدید آورد - یعنی اسلام و معارف زندگی ساز آن - هم اکنون نیز در اختیار ما است و به ما هشدار می‌دهد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ».^۲ اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها شرطهای تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می‌آموزد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳ و می‌آموزد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۴ و می‌آموزد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۵ ضعف این سه عامل، امت اسلامی را امروز در وضع تأسف‌باری قرار داده است. حداقل در دو قرن گذشته، دشمنان پیگیر و با تدبیر و برخی حکومت‌های مسلمان بی‌کفایت، در کنار عوامل و شرایط گوناگون تاریخی و سیاسی، در پدیدآوردن این وضع، به‌شدت مؤثر بوده‌اند و ما امروز وارث گذشتگانیم.^۶

پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد.^۷

۱. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۲. سوره انفال، آیه ۲۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۵. سوره انفال، آیه ۴۶.

۶. در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۱۸.

۷. به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی ۱۳۷۳/۰۱/۰۱.

آینده‌ی حتمی؛ پیشرو بودن ایران

هدف، پیشرفت است. پیشرفت به معنای تحرک دائمی است. اگر دقت کنیم، پیشرفت، هم راه و مسیر است، هم هدف است. خدای متعال انسان را آنچنان آفریده است که حرکت او به جلو در میدانهای مختلف، هیچ وقت به حد یقف نمی‌رسد. به هر مرحله‌ای که شما برسید - چه در مراحل مادی و چه معنوی - مطمئناً توقف در آن مرحله، برای انسان علاقه‌مند به پیشرفت، معنا ندارد. بنابراین پیشرفت، هم راه است، هم هدف است.. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ من چندی قبل به جوانهای دانشجو و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده‌ی حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله‌ی پیشرفت است.^۱

حرکت علمی

بدون شک علم پایه تمدن است،^۲ اسلام نسبت به علم، مهم‌ترین حرکت و مهم‌ترین تحریک و تحریر را داشته است. تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن به طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی به وجود آمد؛ آن هم در آن محیط.^۳

علم پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای یک مدنیت درست نیست. نتیجه علم

۱. بیانات در اجتماع مردم اسفراين ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

۲. در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

۳. در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۰۷/۰۵

منهای ایمان به غیب، همین می‌شود که امروز در دنیا می‌بینید. ببینید امروز علم با همه شرافت و ارزشش، در دست جهان خواران و دیوانه‌های زنجیری بین‌المللی به چه تبدیل شده است! نه حقی برای انسان، نه حقی برای ملت‌ها، نه حقی برای حقیقت و نه ارزشی برای راستگویی و صدق قائل نیستند.^۱

ایستادگی و مقاومت

جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شما است.^۲

مواجهه با تمدن غرب

اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اینها به صورت پروژه‌ای یک ملت را تحت مطالعه قرار میدهند، نقاط ضعفش را پیدا میکنند، از روان‌شناس و جامعه‌شناس و مورخ و هنرمند و اینها استفاده میکنند، راههای تسلط بر این ملت را پیدا میکنند؛ بعد به فیلمساز، به فلان بنگاه هنری در هالیوود سفارش میکنند که بسازد و میسازد. باید به اینها توجه داشت. سلیقه‌سازی میکنند، فرهنگ‌سازی میکنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد میکنند، نیروهای نظامی و ژنرالها را وارد میکنند. این، شیوه‌ی حرکت غربی‌هاست؛ باید مراقب بود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن

۱. در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

۲. در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی ۱۳۷۶/۰۵/۲۹.

اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد.^۱

بصیرت سیاسی

آگاهی سیاسی را در خودتان تقویت کنید که فریب تبلیغات دشمن را نخورید. این هم یک رکن اساسی است. از این هم نمی‌شود گذشت. کلیت ملت و وحدت ملت را ارج بنهید، وحدت کلمه را حفظ کنید. یاد امام قدس سره، یاد پیشروان انقلاب، یاد شهدای بزرگوار و یاد صحنه‌های پرشور انقلاب و جنگ تحمیلی را زنده نگه‌دارید. اگر این شد، به فضل پروردگار در طول سال‌های آینده و ده‌ها سال آینده، چنان بنای تمدن رفیعی در این جا و بسی جاهای دیگر، شالوده‌ریزی خواهد شد و چنان عظمتی از اسلام و مسلمین آشکار خواهد شد که دیگر حقیقت و واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند و دیگر استکباری وجود نخواهد داشت.^۲

وحدت کلمه در دولت، ملت و امت

اگر ملت ایران، همچنان که بحمدالله تاکنون بوده است و بعد از این هم به فضل الهی همین گونه خواهد بود، وحدت ارزشمند و آگاهی و هوشیاری و پیوند و رابطه مستحکم خودش با مسئولان را حفظ کند و به فضل پروردگار، همواره در سطوح بالای این نظام، مسئولان شایسته‌ای به خدمت مشغول باشند، نظام مقدس جمهوری اسلامی، این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدن اسلامی را در این کشور، بلکه در همه کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی، مستحکم کند.^۳

جهان اسلام از امکانات بی‌شماری در همه زمینه‌های زندگی بشر برخوردار و با رنج‌های بزرگی دست‌به‌گریبان است. نیاز به معرفت و جدیت و همکاری برای نیل به حیات طیبه تمدن اسلامی، نیاز به یکپارچگی و هوشیاری برای مقابله با خطرها و

۱. بیانات در اجتماع مردم اسفراين ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

۲. در آستانه سالروز تسخير لانه جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۰۸/۱۱.

۳. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عيد سعيد غدیر ۱۳۷۶/۰۲/۰۶.

دشمنی‌ها و نیاز به اخلاص و صمیمیت برای جلب رحمت و کمک الهی، مشهود و مورد قبول همگان است.^۱

بایستی سعی مان بر این باشد که آن عنصر قوت و قدرت را که در تاریخ اسلام سراغ داریم و در زندگی خودمان هم تجربه کرده ایم، در خودمان زیاد کنیم؛ آن، اعتماد به خدا، اعتماد به آنچه که از اسلام در دست داریم و از محوریت خارج کردن من؛ یعنی کم کردن منیت‌های شخصی، منیت‌های قومی، منیت‌های گروهی و منیت‌های سیاسی. به سمت آن اتحاد حقیقی در زیر سایه احکام الهی برویم؛ آن اتحادی که شرطش ایمان واحد، عشق واحد و هدف واحد است. این اتحاد، با اختلاف نژاد و اختلاف رنگ و پوست هم می‌سازد؛ چه برسد با اختلاف مذاق سیاسی. می‌توان این اتحاد را به وجود آورد. بحمدالله ملت ما زمینه‌های چنین وحدتی را همیشه نشان داده و عمل کرده و حرکت نموده است. ملت‌های دیگر هم در داخل امت بزرگ اسلامی باید دنبال یک چنین اتحاد و هماهنگی و همدستی‌ای باشند.^۲

جامعه ایمانی؛ لازمه تمدن‌سازی اسلامی

یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، میتواند لیبرالیسم باشد، میتواند کاپیتالیسم باشد، میتواند کمونیسم باشد، میتواند فاشیسم باشد، میتواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، در اینجا یک مغالطه‌ای وجود دارد، گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدائی» مطرح میشود: آقا جامعه را با ایدئولوژی نمیشود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار میکنند. هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد،

۱. در پیام تشکر به مناسبت برگزاری هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۲۱.

۲. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۰۸/۱۵.

بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد. البته بعضی از کشورها مقلدند؛ از غرب، اینها ممکن است به یک پیشرفتهائی هم برسند، به یک پیشرفتهای صوری و سطحی هم میرسند، اما مقلدند؛ اینها تمدن‌ساز نیستند، اینها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه یک طوفانی به وجود بیاید، اینها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند.^۱

امروز در محیطهای روشنفکری، کسانی هستند با شکلهای گوناگون، با قد و قواره‌های گوناگون، اینها ما را از شعارهای مکتبی برحذر میدارند؛ میگویند آقا، هزینه دارد، دردسر دارد، تحریم دارد، تهدید دارد. نگاه خوشبینانه این است که بگوئیم اینها تاریخ‌نخوانده‌اند - جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که

^۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

سلوک عملی است.^۱

تقلید تمدن غرب؛ آسیب تمدن سازی نوین اسلامی

نکته‌ی دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی بمجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه‌ی غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل میکنند بر غرب‌ستیزی: آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آنچنانی نداریم - البته پدرکشتگی داریم! - غرض نداریم. این حرف، بررسی شده است. تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی میکند؛ هویت ملتها را از بین میبرد. فرهنگ غربی، ذهنها را، فکرها را مادی میکند، مادی پرورش میدهد؛ هدف زندگی میشود پول و ثروت؛ آرمانهای بلند، آرمانهای معنوی و تعالی روحی از ذهنها زدوده میشود. خصوصیت فرهنگ غربی این است. یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی میکنند. این

^۱ همان.

گناه بزرگِ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض میکنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا میرسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدرفرنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلودِ گناه‌آلودِ هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم.^۱

یکی از آفات اجتماعات و مجموعه‌ها و ملتها و گروه‌ها، متوقف ماندن در افتخارات گذشته است. هی افتخارات گذشته را به یاد خودمان بیاوریم، به آنها ببالیم، اما متناسب با آنها، در زمان حاضر، در حال، حرکتی انجام ندهیم. اینکه می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دویست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم می‌خوریم، این به خاطر غفلتها بود. در اینجا، در منطقه‌ی غربی ما، در مناطق دیگر اسلامی، کبکبه‌ی ظاهری حکومتها بود^۲

نشانه‌های هندسه جدید تمدن اسلامی

۱- احساس هویت و احساس بیداری ملت‌ها

وضعیتی که امروز در دنیا هست، وضعیت تحول است. اوضاع جهان در حال تبدیل به یک شکل جدید و هندسه‌ی جدید است. اگر بخواهیم در گذشته‌های نزدیک - مثلاً در حدود یکی دو قرن - نظیری برای این پیدا کنیم، تقریباً شبیه اوضاع بعد از جنگ بین‌الملل اول، البته در جهت عکس آن است؛ آن روز هم هندسه‌ی سیاسی و اقتصادی

^۱. همان

^۲. در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

دنیا تغییر اساسی و بنیادی کرد. یا قبل از آن، در دورانی که اروپائی‌ها استعمار را شروع کردند؛ یک وضعیت جدیدی در دنیا به وجود آمد، شکل عمومی دنیا عوض شد. تحولاتی که امروز مشاهده میشود، از این جنس است؛ جنس تغییر شکل عمومی دنیا؛ البته در جهت عکس آن یکی بیداری اسلامی است. ما در طول تاریخمان، چنین وضعیتی را در کشورهای اسلامی نداشتیم. اینکه احساس هویت، احساس بیداری، نه در یک ملت، بلکه در کشورهای متعددی از کشورهای اسلامی پدید بیاید و این احساس بیداری، این احساس هویت، متکی به اسلام باشد، این را ما در گذشته هرگز نداشتیم؛ این مال امروز است؛ این یک نشانه است، نشانه‌ی تحول است. چون مسلمانان یک میلیارد و نیم از جمعیت دنیا را تشکیل میدهند، ده‌ها کشور شامل اکثریتهای مسلمان هستند و کشورها هم جاهای حساسی قرار دارند، بنابراین این بیداری یک امر عادی نیست؛ نشان‌دهنده‌ی یک تحول در ساخت و نقشه و هندسه‌ی جدید دنیاست.^۱

۲- خیزش ناموفق غرب

یک نشانه‌ی دیگر، خیزش ناخیز ناموفق غرب به رهبری آمریکا، برای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه‌ی ماست. یک خیزی برداشتند، این خیز ناموفق بود. قضیه‌ی عراق یا قضیه‌ی افغانستان، قضایای دفعی نبود؛ حوادثی نبود که بر اساس یک تصمیم آتی، فوری و دفعی به وجود آمده باشد؛ نه، اینها کاملاً برنامه‌ریزی شده بود؛ هدف هم تسلط کامل غرب به پیشتازی و رهبری آمریکا بر کل این منطقه بود. البته من اصرار دارم این منطقه را «غرب آسیا» بگویم، نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاور میانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. این تعریفی است که خود اروپائی‌ها کردند؛ نه، ما این را قبول نداریم. آسیا یک قاره‌ای است؛ شرقی دارد، غربی دارد، وسطی دارد؛ ما در غرب آسیا قرار داریم. بنابراین منطقه‌ی ما اسمش منطقه‌ی غرب آسیاست، نه منطقه‌ی خاورمیانه. بنابراین یک نشانه‌ی دیگر، تسلط کامل بر این منطقه‌ی حساس است. چرا این منطقه حساس است؟ چون اولاً در این منطقه،

^۱ . بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

منابع بسیار غنی و عظیمی قرار دارد؛ منابعی که غرب به آنها نیاز دارد، و در درجه‌ی اول منابع انرژی. ثانیاً در اینجا موج اسلامی همیشه قابل انتظار و قابل توقع بوده؛ بخصوص بعد از پیدایش انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، این موج را همیشه به نحو مبهم انتظار داشتند، برای اینکه بر این موج سیطره پیدا کنند. بنابراین سیطره‌ی همزمان، هم بر منابع غنی، هم بر موج اسلامی، آنها را وادار کرد که یک خیزی بردارند و این منطقه را تصرف کنند، اما وسط راه افتادند؛ مثل کسی که خیز بر میدارد تا از یک جوئی عبور کند، اما زورش نمیرسد، وسط جوب می‌افتد. یک چنین اتفاقی افتاد. این خودش یکی از نشانه‌های تحول است.^۱

۳- آینده مبهم کشورهای ثروتمند اروپا

یک نشانه‌ی دیگر، حوادث امروز اروپاست. این آینده‌ی مبهمی که سایه افکنده بر کشورهای ثروتمند اروپا، کشورهای غرب اروپا، حوادث بسیار مهمی است. این قضایای اقتصادی ربطی هم به خطاهای تاکتیکی و راهبردی ندارد که بگوئیم فلان تاکتیکشان در فلان جا غلط بود، دچار این مخمصه شدند؛ یا فلان راهبردها غلط بود، دچار این گرفتاری شدند؛ نخیر، قضیه این نیست؛ قضیه، قضیه‌ی بنیانی است. خطاهای بنیانی وجود دارد. آنچه که امروز دارد اتفاق می‌افتد، ناشی از خطای در نگاه فلسفی و بنیانی و فکر غرب نسبت به جهان و انسان است؛ خطای در جهان‌بینی است. البته اینجور خطاها، مثل خطاهای تاکتیکی تأثیراتش سریع نیست؛ مثل خطاهای راهبردی، تأثیراتش میان مدت نیست؛ این خطاها تأثیراتش بلندمدت است. بعد از دو سه قرن، این خطاها دارد خودش را نشان می‌دهد؛ و بدانید که اینها را زمین خواهد زد.^۲

من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های

^۱ همان.

^۲ همان.

اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاستهای فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست.^۱

۴- افول قدرت آمریکا

یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی‌ای که در نقشه‌ی دنیا انسان احساس میکند، افول وجهی آمریکاست. آمریکا به عنوان قدرت اول ثروت و علم و فناوری و نظامی دنیا، چندین دهه با وجهه زندگی کرد؛ که همین وجهه موجب شد نفوذ پیدا کند. در دهه‌های اول نیمه‌ی دوم قرن بیستم، این وجهه در اوج بود. در ایران خود ما همین جور بود؛ دولت ملی‌ای مثل دولت مصدق که از زیر بار انگلیس میگریخت، به دامن آمریکا پناه میبرد؛ این وجهه بود. در همه‌ی دنیا یک چنین حالتی بود. امروز این وجهه به طور کامل از بین رفته است؛ یعنی آمریکا به عنوان یک متهم در دنیا مطرح است، بیداری اسلامی از اینجا آغاز شد. این را همه میگویند، همه میفهمند، همه میدانند. (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۱/۰۵/۲۲ - بیست و سوم رمضان المبارک ۱۴۳۳)

راهبردهای کلان بیداری اسلامی

موضوع «بیداری اسلامی» که شما در این اجلاس به آن خواهید پرداخت، امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده‌ی شگرفی است که اگر باذن الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه چندان دوردست، برای امت اسلامی و آنگاه برای جهان بشریت رقم زند.^۲

^۱ . بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

^۲ . بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۹ - تهران، سالن اجلاس سران

۱- مصلحان دینی، پدید آورنده امواج بیداری

اولین مطلب آن است که نخستین امواج بیداری در کشورهای این منطقه که همزمان با آغاز ورود پیشقراولهای استعمار آغاز شد، غالباً به وسیله‌ی علمای دین و مصلحان دینی پدید آمد. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه‌ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزشهای اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است و سعی میکنند این مرجعیت فکری را از پایگاه‌های دینی سلب کرده و قطبهای جدیدی برای آن بتراشند؛ که به تجربه دریافته‌اند که با آنان میتوان بر سر اصول و ارزشهای ملی براحتی معامله کرد! چیزی که در مورد عالمان باتقوا و رجال دینی متعهد هرگز اتفاق نخواهد افتاد.^۱

۲- هدف نهائی، ایجاد تمدن درخشان اسلامی

دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه‌ی متعالی و والائی که بیداری ملتها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که میتوان نقشه‌ی راه را ترسیم کرد و هدفهای میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود. این هدف نهائی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. تجربه نشان داده است که اینها همه، کارهای ممکن و در دسترس توانائیهای جوامع ما است.^۲

۱. همان

۲. همان

۳- ادعانامه علیه تجاوز و فساد

مطلب سوم آن است که در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه‌ی تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. ما با هیچ گروهی از انسانها به خاطر تمایز جغرافیائی، دشمنی نداریم. ما از علی (علیه‌السلام) آموخته‌ایم که در باره‌ی انسانها فرمود: «اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق».^۱ ادعانامه‌ی ما، علیه ظلم و استکبار، و تحکّم و تجاوز، و فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است که از سوی قدرتهای استعماری و استکباری بر ملت‌های ما وارد شده است.^۲

۴- پرهیز از اختلاف‌های قومی و مذهبی

نکته‌ی چهارم آن است که امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهائی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید میکند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضتها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیزم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و بویژه در منطقه‌ی عربی، با جد و اهتمام دنبال میشود.^۳

۵- دفاع از فلسطین

نکته‌ی پنجم آن است که درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضعگیری آنان در قبال مسئله‌ی فلسطین جستجو کرد. از ۶۰ سال پیش تاکنون داغی بزرگتر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است. فاجعه‌ی فلسطین از روز اوّل تاکنون، ترکیبی از کشتار و ترور و ویرانگری و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی بوده است. وجوب ایستادگی و مبارزه در برابر این دشمن حربی و

^۱ نهج البلاغه. نامه‌ی ۵۳

^۲ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۹- تهران، سالن اجلاس سران

^۳ همان

غاصب، مورد اتفاق همه‌ی مذاهب اسلامی و محلّ اجماع همه‌ی جریان‌های صادق و سالم ملّی بوده است. این یک محک است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه‌ی مقاومت پشت کند، متهم است. امت اسلامی باید در همه جا و همه وقت، این معیار و شاخص نمایان و اساسی را در مدنظر داشته باشد.^۱

انقلاب اسلامی؛ الگوی حرکت های انقلابی دنیای اسلام

حرکت نظام جمهوری اسلامی اثر خودش را در دنیا بخشیده است، تأثیرات عمیقی گذاشته است، قدرتهای استکباری و شیطانی را تضعیف کرده است، راه‌های تازه‌ای در مقابل ملتها باز کرده است. یک فصل تازه‌ای در دنیا شروع شده است، یعنی هرچه انسان نگاه میکند، دیگر نظیری برای آن نیست. البته بنده، هم در عمر خودم در دوره‌ی جوانی، هم در تاریخ، تحولات گوناگونی را که در جاهای گوناگون دنیا از جمله در منطقه‌ی ما اتفاق افتاده است، یا دیده‌ام یا خوانده‌ام. این انقلابهایی که در کشورهای آفریقائی، آمریکای لاتین، انقلابهای چپ در دهه‌ی ۶۰ میلادی - یعنی پنجاه سال قبل مثلاً - اتفاق افتاد، اینها را دیدیم؛ ...همه‌شان با کودتا سر کار آمدند؛ مثل جمال عبدالناصر، مثل همین قذافی و دیگران. حرکت مردمی و انقلاب به معنای حقیقی نبود. آنچه امروز دارد اتفاق می‌افتد، حضور مردم است با نشان، با جانشان؛ اینها مردمند. ممکن است احزاب هم به معنایی حضور داشته باشند یا تأثیر هم داشته باشند؛ اما آن که توی میدان است، یک مجموعه‌ی نظامی نیست، یک مجموعه‌ی کودتاگر نیست؛ مجموعه‌های مردمی‌اند، توده‌های مردمی‌اند، آن هم با گرایش توحیدی و خدائی و الهی؛ با الله اکبر، با نماز جماعت. حالا تبلیغات آمریکائی و صهیونیستی بگذار انکار کنند؛ خوب بکنند، واقعیت که با انکار آنها عوض نمیشود. واقعیت این است. این اصلاً سابقه ندارد. تا آنجائی که ما در دورانهای انقلابها دیده‌ایم و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم، یک

^۱. همان

چنین چیزی با این فراگیری اصلاً سابقه ندارد. این یک چیز جدید است. یعنی واقعاً تاریخ منطقه و به تبع آن تاریخ دنیا ورق خورده است؛ یک فصل جدیدی آغاز شده. ما اینجا چه کاره‌ایم؟ من هیچ نمیخواهم ادعا کنم و بگویم انقلاب اسلامی همه‌کاره بود - حالا بعضی هم حساسند از این که گفته بشود منشأ این انقلابها، انقلاب اسلامی است - نه، اصلاً چنین ادعائی هم نمیکنیم، لازم هم نیست چنین ادعائی بکنیم؛ اما مسئله این است که امروز همان حرکتی که ما ملت ایران سی سال قبل، سی و دو سال قبل شروع کردیم، عیناً همان حرکت را با یک تفاوت‌های منطقه‌ای و بومی و جغرافیائی و تاریخی، در دنیای اسلام در چندین کشور داریم مشاهده میکنیم. و من عرض کردم موج بعدی این کار در مناطق خیلی دوردست‌تر هم وجود دارد و چنین چیزی پیش خواهد آمد، که این برای ما تشویق‌آمیز است، این برای ما مبشر است، مزه‌بخش است؛ نشان میدهد که ما امیدمان به آینده باید بیشتر باشد.^۱

^۱ . بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، دوم شعبان ۱۴۳۲، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

فصل هفتم

جایگاه کنونی ایران اسلامی

نسبت با مراحل فرآیند

ما در کدام مرحله ایم؟^۱ ملت (حرکت انقلابی را) باکمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد. (نظام اسلامی هم) تحقق پیدا کرد، ملت ما این کار را هم با موفقیت انجام داد،^۲ ما از این حلقه هم عبور کردیم.^۳

ما در مرحله سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده ایم. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است.^۴ ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم، باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم،^۵ نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود.

ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه ریزی کردیم - «ما»، یعنی همان‌هایی که کردند - و الآن یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آن جا معلوم است. مشخص است که مسئولان چگونه باید باشند. قوای سه گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولت‌ها دارند، مشخص و معلوم است، اما نمی توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم.

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۲. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۳. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

۴. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۵. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

ما باید خودمان را تربیت کنیم.^۱

قوای مقننه و قضاییه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله سوم است؛ ما الآن در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد.^۲

پیشتازی ملت ایران در حرکت انقلابی

حرف اصلی این است که کشور ما، ملت ما به برکت بیداری اسلامی که پیش از ملت‌های دیگر به این بیداری دست یافت، در یک راه پرافتخاری، خوش عاقبتی در حال حرکت است. هر کس این را انکار کند، انکار واضحات را کرده است. ما یک ملتی بودیم که با وجود استعداد خوب، با وجود پیشینه‌ی تاریخی موجب سرافرازی، با وجود امکانات طبیعی فراوان، در دنیا جزو ملت‌های عقب‌افتاده و بی‌تأثیر در همه‌ی تحولات جهانی، و خود متأثر از اراده‌ی قدرتهای مداخله‌گر بین‌المللی بودیم. امروز در تعدادی از کشورهای دنیای اسلام، بیداری اسلامی دارد خودش را نشان می‌دهد و خیلی هم چیز مبارکی است و ما هم از اول از آن استقبال کردیم.^۳

موانع تشکیل دولت اسلامی

از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد، منتها افت وخیز داشته، پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم.^۴ یقیناً اگر مزاحم‌هایی که حالا می‌شمارم، وجود نداشت، رسیدن به این هدف، زمان زیادی نمی‌خواست؛ شاید در طول پنج سال، ده سال یک گروه متشکل قوی می‌توانستند این

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۲. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۳. در بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان ۱۳۹۱/۰۶/۲۸.

۴. دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

اهداف را برآورده کنند؛ منتها در سر راه انسان، موانع وجود دارد. این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی.^۱

موانع درونی

موانع درونی یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسان‌ها - چه تصمیم گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ این‌ها موانع درونی است. ۲. همه‌اش این‌طور نیست که بگوییم ضعف‌ها تحمیلی و از ناحیه دیگران است. ممکن است گاهی اختلاف‌نظر و کمبود مصالح و کمبود نیروی کار پیش بیاید، گاهی ممکن است فلان بنا یا عمل، در گوشه این بنا، کاری را نادرست انجام دهد، گاهی ممکن است در کسانی که خودشان معمار و سازنده بنا هستند، ضعف‌ها و تنبلی‌هایی وجود داشته باشد. کمبود مصالح، رفیق نیمه‌راه و آدم‌های طماع و قدرت‌طلب، بخشی از این مشکلات است.^۳

موانع درونی، ضعف‌ها است؛ ضعف‌های فکری است، ضعف‌های عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است، آسان‌پنداری هم مثل آسان‌گیری و سهل‌انگاری است. گریز از چالش هم یکی از ضعف‌های درونی ما است. یکی دیگر از ضعف‌های درونی عبارت است از تربیت‌های اجتماعی موجود و عادت‌های تاریخی که این‌ها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود. خشم و شهوت‌های بی‌مهار و تربیت‌نشده، دل‌بستگی به عادات و عقاید خرافاتی میراثی و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعف‌های درونی است.^۴

بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید، بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم، بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه‌داریم؛ دل‌بسته رفتارهای طاغوتی شدیم. باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در این‌ها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷.

۲. همان

۳. در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۲۲/۱۲/۱۳۷۹.

۴. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷.

پوینده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل^۱ شکل بگیرد، دچار نُکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد.^۲ انحراف در هدف‌ها، در آرمان‌ها، در جهت‌گیری‌ها را باید مراقبت کرد که پیش نیاید و این چیزی است که ما در طول این سال‌های طولانی - به خصوص بعد از جنگ و بعد از رحلت امام (ره) - درگیرش بودیم؛ جزو درگیری‌های اساسی در این دو دهه گذشته، یکی همین بوده. تلاش‌های زیادی شده است برای اینکه جمهوری اسلامی را از روح و معنای خودش خارج کنند. تلاش‌های زیادی کرده‌اند؛ به شکل‌های مختلف؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های اخلاقی، چه در زمینه‌های اجتماعی؛ از اظهاراتی که شده و حرف‌هایی که زده شده. ما یک دوره‌ای را هم مشاهده کردیم که در مطبوعات ما رسماً، علناً، جدائی و تفکیک دین از سیاست را اعلان کردند! اصلاً مسئله یکی بودن دین و سیاست را که اساس جمهوری اسلامی و اساس حرکت عمومی مردم بود، زیر سؤال بردند. از این بالاتر؟! در دورانی، در مطبوعات ما دیده شد که صریحاً، علناً، از رژیم ظالم، جبار و سفاک پهلوی دفاع شد!^۳

این‌ها همان موانع درونی است؛ این‌ها آن چیزهایی است که در مقابل رسیدن به یک هدف و مقصود والا، عایق ایجاد می‌کند. این‌ها همه موانع درونی‌ای بود که بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، ما ملت ایران با این زمینه‌ها می‌خواستیم کشور را به سمت آن اهداف ببریم. این‌ها هر کدامش یک مانع بود، البته این‌ها برطرف‌شدنی بود، نه اینکه برطرف‌شدنی نبود؛ خیلی‌اش هم با تبیین برطرف شد. همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیت‌های غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم که آن انگیزه‌های دیگری دارد، مثل این

۱. «البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد، ان‌شاءالله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می‌کنند. همه ما انسان‌های ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آن‌ها هستیم - به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم» در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۳. در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

مصرف‌گرایی و اسراف (که) جزو میراث‌های ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم.^۱

موانع بیرونی

آن‌وقت عوامل بیرونی است که دیگر الی ماشاءالله وجود داشته است؛ همه کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدف‌های انقلاب متضرر می‌شدند، این‌ها جلوی انقلاب ایستادند.

سال اول انقلاب در تقریباً چهارگوشه کشور با شعار قومیت، کانون‌های جنگ و درگیری به وجود آمد. بعد از این مسئله قومیت‌ها، تنافس‌های درونی خود ماها بود با یکدیگر که آن‌هم یک ماجرای تلخ و بدی دارد؛ ماجرای ملال‌آوری دارد. بعد جنگ تحمیلی بود؛ هشت سال. شما ببینید این نیروی متراکمی که ملت ما در مقابله با دشمن گذاشت و توانست دشمن را به‌زانو در بیاورد - نه فقط صدام را، بلکه آن کسانی که پشت سر صدام بودند - اگر در خدمت به سمت هدف‌های عمرانی و آبادانی و سازندگی جمهوری اسلامی بنا بود قرار بگیرد، چقدر کار پیش می‌رفت.

بنابراین انحصارطلبان جهانی از یک‌طرف، اشرار داخلی از یک‌طرف، توطئه‌های ابرقدرت‌ها از یک‌طرف، دست اغواگر تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی آن ابرقدرتی که دستش از ایران با انقلاب اسلامی کوتاه شده بود، از یک‌طرف - یعنی آمریکا که تا امروز هم ادامه دارد - این‌ها همه در مقابل این حرکت عظیم ملت ایران ایستادند.^۲

بایسته‌های دولت‌مردان برای اسلامی کردن دولت

بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛^۳ دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷.

۲. همان.

۳. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹.

خود، به طور کامل اسلامی عمل کند^۱ (و) چون این در وهله اول فراهم نیست؛ باید به تدریج و با تلاش به وجود آید.^۲

کاربرد روش‌های مناسب

مسئولان بخش‌های مختلف، قوای سه‌گانه، مدیران میانی، همه و همه باید سعی‌شان این باشد که برای کارها و پیشبرد اهدافشان، از روش سالم و اخلاقی استفاده کنند. استفاده از این روش ممکن است در جایی ناکامی‌ها و دردسرهایی را هم به لحاظ کسب قدرت به وجود آورد، اما در عین حال این متعین است که از نظر اسلام و از نظر امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تثبیت به روش‌های غیراخلاقی به هیچ‌وجه صحیح نیست. در اسلام، روش‌ها بسیار مهم‌اند؛ روش‌ها مثل ارزش‌ها هستند و ارزش‌ها باید در روش‌ها هم خودشان را نشان دهند.^۳

تطبیق رفتارها و جهت‌گیری‌های مسئولان با معیارهای اسلامی

(مسئولان) باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی. معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم.^۴

نظام اداری تراز اهداف اسلامی

از جمله زمینه‌هایی که بعد از انقلاب تا امروز، با همه تلاشی که شده است، نتوانسته‌ایم در آن پیشرفت شایسته‌ای را به دست آوریم، زمینه نظام اداری متناسب

۱. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۳. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.

۴. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

فرآیند تحقق اهداف اسلامی/۱۰۲

باهداف‌های جمهوری اسلامی است. ما نمی‌توانیم بگوییم در این زمینه کم‌کاری داشته‌ایم - شاید هم خیلی کار کرده‌اند - اما به‌رحال کم پیشرفت داشته‌ایم. الآن هم با این‌که مکرر گفته می‌شود و همه هم می‌گویند، اما انسان عمل و تلاش بایسته را مشاهده نمی‌کند. این از نقایص ما است. مسئولان ذی‌ربط باید در این زمینه کار کنند؛^۱ (هر جا نتوانستیم) وضع موجود و ساختار کنونی نظام خودمان را بر پایه اسلام قرار بدهیم، سعی ما باید این باشد که آن را بر همان پایه و مبنای اسلامی قرار بدهیم؛ از او نباید تخطی کنیم. این هدف ما است.^۲

اصلاح و خودسازی دولتمردان

مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند.^۳ هر کس هم که جدیداً مسؤولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسؤولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی.

اگر نماینده مجلسیم، اگر عضو دولتییم، اگر از مسئولان قضایی هستیم، اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم، چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم. دوره پیش از انقلاب گذشت که بعضی کسان فقط به خود می‌پرداختند. ما آن وقت به آنها ایراد می‌گرفتیم که به فکر جامعه و مردم هم باشید، می‌گفتیم به فکر غریق‌ها هم باشید، فقط به فکر نجات خودتان نباشید. الآن آن

۱. در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۰۴.

۲. در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

۳. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

زمان نیست، حالا من و شما اگر به فکر خودمان باشیم، به طور طبیعی غریق‌ها را نجات داده‌ایم. اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است.^۱ من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هر کسی است که در گوشه‌ای معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد، (اما) جامعه پیش نخواهد رفت.^۲

ما مسئولان باید خود را بسازیم، مرتب با خود کلنجار برویم، یکدیگر را به حق وصیت کنیم، یکدیگر را ارشاد کنیم، مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم، بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزه روز بهتر کنیم.^۳ هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسئولیت‌ها، خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید، یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتتان نسبت به حال مردم، رعایتتان نسبت به شرع، رعایتتان نسبت به بیت‌المال، اجتنابتان از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و رفیق‌بازی‌ها و قوم‌و خویش‌پرستی‌ها و اجتنابتان از تنبلی و بیکارگی و بی‌عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه‌ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام این کار را می‌کرد، یقیناً بیشتر است، چون او به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می‌کرد و آن حضرت الگوی کامل بود، اما شما چنین کسی را ندارید که آن طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد، لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه‌مان وظیفه داریم.^۴

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۳. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۴. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

شناسیسته سالاری و انتخاب اصلح

امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان - یعنی مسئولان کشور - ملاک قرار دهیم، مردم سالاری دینی است؛ همین چیزی که بارها گفته‌ایم و تکرار شده است. نباید اشتباه شود؛ این مردم سالاری به ریشه‌های دمکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست، این طور نیست که ما دمکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری دو سر دارد؛ یک سر مردم سالاری عبارت است از این که تشکّل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت گیرد، یعنی مردم نظام را انتخاب می کنند، دولت را انتخاب می کنند، نمایندگان را انتخاب می کنند، مسئولان اساسی را به واسطه یا بی واسطه انتخاب می کنند.^۱ در جمهوری اسلامی، انتخاب، انتخاب اصلح است،^۲ انتخاب اصلح، یک تکلیف الهی است،^۳ انتخاب فرد اصلح، وظیفه‌ای شرعی و عقلی و انقلابی است.^۴

آنچه برای مردم در همه گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روزبه‌روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آن‌ها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را بر آریکه مسئولیت بنشانند تا آن‌ها بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است.^۵

آقایان و به خصوص مسئولان، این نکته را توجه داشته باشند که اگر ما بر نقش مدیریت و سرپرستی در جامعه اسلامی تکیه می‌کنیم و آن را تعیین‌کننده معرفی

۱. همان

۲. در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته وحدت ۱۱/۰۷/۱۳۶۹.

۳. در دیدار با خانواده‌های معظم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی ۳۱/۰۲/۱۳۷۶.

۴. در پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۲۳/۰۴/۱۳۶۸.

۵. در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۲۴/۰۸/۱۳۸۳.

می‌نماییم، با یک گزینش، قضیه تمام نمی‌شود. این‌طور نیست که یک شخص، در رأس برگزیده بشود و شرایط لازم را داشته باشد، بعد دیگر همه چیز به خودی خود، حل خواهد شد. تأثیر مدیران بالا در سرنوشت جامعه هم تا حدود زیادی از این جهت است که مدیر برتر و بالاتر، این قدرت را دارد که دست‌ها و ایادی چرخاننده چرخ‌های کشور را سالم انتخاب بکند، یعنی سلامت آن‌ها، جزو سلامت دستگاه حکومت است.^۱

عمده تأکید من بر گزینش همکاران است. من این را مکرر عرض کرده‌ام، باز هم عرض می‌کنم. به این نکته باید توجه کنید: گاهی می‌شود که یک مدیر، در مجموعه کاری خود، طبعاً به افرادی تکیه می‌کند و همه کارها را شخصاً نمی‌تواند انجام دهد. ناگزیر، کسانی با اختیاراتی در مجموعه‌هایی هستند و گاهی می‌بینید در صراط و راه دیگری حرکت می‌کنند. اولین ثمری که ثمر تلخی خواهد بود، این است که کار این مدیر را لنگ می‌گذارند. بعد هم البته کشور ضرر می‌بیند، اهداف ضرر می‌بیند، مردم ضرر می‌بینند، برای خاطر اینکه (مدیر) به انسان‌هایی تکیه کرده که اهل نیستند.

در محیط وزارتخانه باید کسانی را آورد که به این راه و هدف از بُنِ دندان معتقد باشند، برای خاطر اینکه اگر از بُنِ دندان معتقد نباشد، اگر توانایی و کاردانی هم داشته باشد، آن توانایی و کاردانی، در خدمت راهی که شما دارید برایش تلاش می‌کنید، به کار نخواهد افتاد.^۲

«ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ»^۳؛ کارها و امور کارگزاران خودت را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب کارگزاران است؛ «فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَاراً»؛ با آزمایش آن‌ها را انتخاب کن، یعنی نگاه کن بین چه کسی شایسته‌تر است. همین شایسته‌سالاری‌ای که امروز بر زبان ماها تکرار می‌شود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام هم در اینجا به آن سفارش می‌کنند. «وَلَا تُؤَلِّمِهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً»؛ نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن که ملاک‌ها را در او رعایت نکنی - فقط چون

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۶۹/۰۴/۲۰.

۲. در دیدار با هیئت دولت در آغاز کار دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۲/۰۶/۰۳.

۳. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

فرآیند تحقق اهداف اسلامی/۱۰۶

رفیق ما است، انتخابش می‌کنیم - نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگوید می‌خواهم این فرد باشد، بدون اینکه ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند.^۱

این توصیه را مؤکد می‌کنم که گزینش همکاران مهم است. البته در سطح وزرا، رعایت و دقت زیادی می‌شود، هم رئیس‌جمهور محترم، هم مجلس محترم، جوانب کار را خیلی می‌سنجند و رعایت می‌کنند، اما به اینجا اکتفا نشود. من به وزرای عزیز که بخش‌های مختلف را بر عهده‌دارند یا خواهند داشت، عرض می‌کنم: یکایک معاونین را، یکایک مدیران را، یکایک مسئولین سراسر کشور را در بخش خودتان، با معیارهای الهی انتخاب کنید؛ کاردان، لایق، متدین، پاک و آراسته به خصوصیات که برای یک مدیر لازم است.^۲

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است؛ فقط من و شما به‌عنوان مسئولان کشور، وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر است، اما آحاد مردم هم وظیفه‌دارند. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است، این‌ها است که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد. اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تر و تازه و باطراوت و شاداب می‌ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید، نه اینکه از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن، این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد، البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر

۱. در دیدار با اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷.

۲. در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۲/۰۵/۱۲.

و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن، چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هر کسی هست، بنده که طلبه حقیری هستم، از بنده مهم تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد.^۱

نظارت بر عملکردها

مردم باید رفتار مسئولان، دولتمردان، برگزیدگان و کسانی را که در جامعه اثرگذار هستند، زیر نظر داشته باشند. خطا است اگر خیال کنیم که ما مسؤولیت را به دست کسانی سپرده ایم و آنها مسئولند، پس برویم مشغول کار و زندگی خودمان باشیم و به کار آنها کاری نداشته باشیم؛ خیر، اگر این طور شد، ملت ضرر خواهد کرد، اگر غفلت واقع شد، حوادث غلبه خواهد کرد.^۲

من همیشه به مدیران می گویم، در گذشته هم گفته ام، دائم مأموران و منتخبان خودتان را زیر نظر داشته باشید، دائم نگاه کنید و از این ها غافل نشوید. دیده اید که نگهبان ها در شب، نورافکن هایی را دائم می چرخانند و گوشه ها را نگاه می کنند؛ شما هم همین طور باید به طور دائم، امور را زیر نظر داشته باشید و نگاه کنید؛ بنابراین از کار کارگزارانتان غفلت نکنید.

«ثُمَّ تَفَقَّدُوا أَعْمَالَكُمْ»^۳ یعنی از کارهای این ها جستجو کن، ببین کار انجام می دهند یا نه؟ درست انجام می دهند یا نه؟ آیا تخلفی در کارهایشان وجود دارد یا خیر؟ «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ»؛ کسانی را که چشم و گوش تو هستند، بگمار تا کارهای این ها را نگاه کنند. «فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرُّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ»؛ این موجب می شود که این ها بتوانند امانت را بیشتر

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.

۲. در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

حفظ کنند.^۱

نوسازی سازوکارها و خطوط هندسی نظام

نظام جمهوری اسلامی، هم ثبات دارد، هم تحول دارد. ثبات وجود دارد، یعنی حرکت، یک حرکت مستمری است به سمت آرمان‌ها؛ تذبذب و عوض کردن راه وجود ندارد؛ حرکت در خط مستقیم به سمت آرمان‌های معین است، اما سازوکارها عوض می‌شود. یک وقت انسان به سمت یک هدفی می‌رود، ناچار است سوار اتومبیل بشود، در یک بخشی ناچار است سوار قطار بشود، در یک بخشی ناچار است سوار هواپیما بشود، در یک بخشی هم ممکن است لازم باشد پیاده حرکت کند، اما هدف تغییرناپذیر است، اگرچه شکل حرکت تغییرپذیر است.

نوسازی نظام ممکن است، اما به معنای تجدیدنظر در آرمان‌ها نیست، زیرا این آرمان‌ها فطری است. نوسازی به معنای تغییر نظامات، تغییر سازوکارها، تغییر سیاست‌ها، عملی است، ممکن است، در مواردی هم لازم است و مانع از تحجر است؛ منتها باید بر طبق اصول باشد.

وقتی انسان اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی را نگاه می‌کند - یعنی جامعه اسلامی با (آن) خصوصیات (خاص خودش را) - می‌بیند اینها هیچ وقت کهنه نمی‌شود، لیکن در راه رسیدن به اینها، آن حلقه دولت اسلامی - یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی - ممکن است کهنه شود، ممکن است اقتضائات در دنیا جوری بشود که این سازوکار، این هندسه نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود؛ هیچ اشکال ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی دنبال آن آرمان‌ها است، آن آرمان‌ها کهنه بشو نیست، اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل نو شدن است. البته نو شدن به معنای این است که اقتضائات بیرونی و واقعیت‌ها گاهی یک چیزی را اقتضاء می‌کند، یک روز چیز دیگری را اقتضاء می‌کند. این، همان جابه‌جا کردن خطوط هندسی نظام

است. فرض بفرمائید ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام قدس سره دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آن‌چنان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. در آینده هم اینها قابل تغییر است.

امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم بارای مستقیم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند تا الآن هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی، مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند.^۱

چه باید کرد؟

شما سؤال می‌کنید که ما از حالا به بعد چه خواهیم کرد؟ من به شما می‌گویم که ما در اول راهیم. آن تصویری که از جامعه اسلامی در ذهن ما است، با وضع کنونی ما فاصله زیادی دارد. ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و دنیای اسلامی برداریم. آنچه را که می‌توانیم بین خودمان و خدا بگوییم، این است که ما تلاش کردیم و مردم ما صادقانه حرکت کردند و امام ما خوب رهبری کرد و خوب پیش برد، اما آنچه را که در اثنای این جاهلیت مظلّم طی کردیم، نسبت به آنچه بعداً باید طی کنیم، مطمئناً خیلی کم است. اولین و مهم‌ترین کاری که پیش روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسان‌ها است. ما متأثر از تربیت‌های طولانی غیراسلامی هستیم. آنچه هیجان عظیم انقلاب و دوران جنگ انجام داد، البته معجزه آسا بود، اما تا این پدیده عمق پیدا نکند و تا وقتی که اعماق ضمائر را متحول نماید، کار زیادی لازم است. در یک صحنه دیگر، ما به فهم مباحث اسلامی به

شکل کارساز برای مسائل دنیای این قرن نیاز داریم. امت اسلامی در طول قرن‌ها یعنی در دوران انزوای اسلام کمتر با مسائل واقعی مواجه شد، اما امروز ما با مسائل بسیاری که وضع زمان و پیشرفت‌های علمی بر ما تحمیل می‌کند، مواجه‌ایم، ما باید برای این‌ها از متن اسلام جواب پیدا کنیم. این کار علما و متفکران است.^۱

تقریباً در طول این یازده سال، هرچه و در هر قسمتی که ما در راه اسلام پیش‌رفتیم، در همان قسمت زندگی شیرین شده است و در هر بخشی که توفیق پیدا نکردیم در جهت اسلام حرکت بکنیم، در آن بخش زندگی سخت و تنگ و تلخ باقی مانده است. حیات اسلامی، حیات طویه است. حیات طویه، یعنی زندگی‌ای که کام انسان را شیرین کند و انسان با آن زندگی، احساس آرامش و آسایش نماید. ما در تشکیل نظام اسلامی و دولت و حاکمیت اسلامی، به اسلام نزدیک شده‌ایم و ارزش‌ها را تا آن حدی که برای ما مقدور بود، در حکام و زمامداران رعایت کرده‌ایم. در این بخش، به همین اندازه زندگی شیرین شد.^۲

فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آنها بسیار طولانی است.^۳ برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد. جامعه اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل یک نظام اسلامی، بلکه تشکیل یک واقعیت و یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام - که لب لباب تعالیم انبیاء است - زندگی می‌کنند و آثارش را احساس می‌کنند. این هدف ما است. ما هنوز به این هدف نرسیدیم، توقع هم نبود که در ظرف سی سال برسیم. این هدف، هدف خیلی طولانی مدتی است. باید تلاش کرد، باید کارکرد تا به این هدف رسید؛ شما مسئولیتان این است، مأموریت این نسل این است؛ کشور و ملتتان را به آن جایگاهی که معنایش این باشد که یک جامعه

۱. در گفت و شنود مقام معظم رهبری با میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر ۱۴/۱۱/۱۳۷۰.

۲. در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرارسیدن ۱۹ دی‌ماه (سالروز قیام مردم قم) ۱۹/۱۰/۱۳۶۸.

۳. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۱/۰۹/۱۳۸۰.

اسلامی به معنای واقعی تشکیل شده، برسانید. این را الگو کنید. این می‌شود بزرگ‌ترین وسیله برای گسترش این فکر و گسترش این تجربه در عالم؛ این مأموریت این نسل است که در تصور و در جنبه نظری، چیز مشکلی نیست. البته کار، کار بسیار دشواری است. همان تحرک جوانی، همان انگیزه جوانی را لازم دارد؛ با تلاش فراوان. هدف این است: ما کشور اسلامی می‌خواهیم.^۱

آن‌چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه تمدن‌ها و مدنیت‌ها.^۲

راز دشمنی‌های استکبار برای خاطر این (است) که اسلام، نظام اسلامی و حکومت اسلامی و جامعه اسلامی با ظلم مخالف است، با استکبار مخالف است، با دست‌اندازی به زندگی مردم مخالف است، با تجاوز به ملت‌ها مخالف است، با فرعونیت قدرت‌ها مخالف است.^۳ ارتش و سپاه، با کمک و همکاری و رقابت مثبت، خواهند توانست مانند همیشه، سدی مستحکم در برابر دشمنان اسلام و انقلاب و کشور اسلامی و دولت اسلامی پدیدآورند و هر تجاوزی را با قدرت پاسخ‌گویند و حتی فکر تجاوز را هم از یاد دشمن بزایند.^۴

۱. در دیدار دانشجویان سراسر کشور ۱۳۸۷/۰۷/۰۷.

۲. در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت روز پاسدار، روز جانباز و روز دانش‌آموز ۱۳۷۹/۸/۱۱.

۳. در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

۴. در پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج ۱۳۶۸/۰۶/۲۶.

فصل هشتم

۲۴ سال دعوت، هدایت‌گری و پایداری در تشکیل دولت و جامعه اسلامی

مشاهده روند طرح ۲۴ ساله دعوت به دولت اسلامی و جامعه نمونه اسلامی توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی نشان‌دهنده اهتمام ایشان و نیز جایگاه مهم این موضوع در منظومه تدابیر و راهبردهای معظم له، برای نیل به اهداف اسلامی است که در ذیل به آن اشاره شده است:

"ارتش و سپاه، با کمک و همکاری و رقابت مثبت، خواهند توانست مانند همیشه، سدی مستحکم در برابر دشمنان اسلام و انقلاب و کشور اسلامی و دولت اسلامی پدیدآورند و هر تجاوزی را با قدرت پاسخ‌گویند و حتی فکر تجاوز را هم از یاد دشمن بزایند."^۱

"تقریباً در طول این یازده سال، هرچه و در هر قسمتی که ما در راه اسلام پیش‌رفتیم، در همان قسمت زندگی شیرین شده است و در هر بخشی که توفیق پیدا نکردیم در جهت اسلام حرکت بکنیم، در آن بخش زندگی سخت و تنگ و تلخ باقی مانده است. حیات اسلامی، حیات طیبه است. حیات طیبه، یعنی زندگی‌ای که کام انسان را شیرین کند و انسان با آن زندگی، احساس آرامش و آسایش نماید. ما در تشکیل نظام اسلامی و دولت و حاکمیت اسلامی، به اسلام نزدیک شده‌ایم و ارزش‌ها را- تا آن حدی که برای ما مقدور بود- در حکام و زمامداران رعایت کرده‌ایم. در این بخش، به همین اندازه زندگی شیرین شد."^۲

"شما سؤال می‌کنید که ما از حالا به بعد چه خواهیم کرد؟ من به شما می‌گویم که ما در اول

۱. در پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج ۰۶/۲۶/۱۳۶۸.

۲. در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم ۱۰/۱۹/۱۳۶۸.

فرآیند تحقق اهداف اسلامی/ ۱۱۴

راهیم. آن تصویری که از جامعه اسلامی در ذهن ما است، با وضع کنونی ما فاصله زیادی دارد. ما توانستیم حصاری را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و دنیای اسلامی برداریم. آنچه را که می‌توانیم بین خودمان و خدا بگوییم، این است که ما تلاش کردیم و مردم ما صادقانه حرکت کردند و امام ما خوب رهبری کرد و خوب پیش برد، اما آنچه را که در اثنای این جاهلیت مظلم طی کردیم، نسبت به آنچه بعداً باید طی کنیم، مطمئناً خیلی کم است.^۱

۱. ۱۳۷۹/۸/۱۱

هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»،^۲ آن‌چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه تمدن‌ها و مدنیت‌ها. این مراحل دارد که من إن شاء الله در صحبتی خواهم گفت که ما الآن در کدامیک از این مراحل هستیم.^۳

"ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروع از انقلاب اسلامی است... انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است... بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی... مرحله چهارم که بعد از این است، کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است."^۴

"من سال گذشته عرض کردم: فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آنها بسیار طولانی است. قدم اول که پرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است... قدم

۱. در گفت و شنود مقام معظم رهبری با میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر ۱۳۷۰/۱۱/۱۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۳. در دیدار گروه‌کنیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱.

۴. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی... قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است... بعد از این مرحله، مرحله تالاف و تشعشع نظام اسلامی است، یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی... آن وقت مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام است.^۱

"بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتیم: ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم. باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم."^۲

"هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود، یعنی یک کشور اسلامی بشود. برای اینکه این کار تحقق پیدا کند، در درجه اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم... حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی - یعنی ترتیب اداره کشور، همان طوری که اسلام گفته است - در این کشور به وجود بیاورید. این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد... این تحقق پیدا کرد، لیکن کافی نیست. برای اینکه آن مقصود - یعنی کشور اسلامی - به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند که من چند سال قبل عرض کردم که مرحله بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است... دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت."^۳

"من چهار پنج سال پیش همین جا در حسینیه این مطلب را با مجموعه کارگزاران مطرح کردم؛ گفتم انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و بعد کشور اسلامی. اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد."^۴

"برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۳. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۴. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

انقلاب با این هدف به وجود آمد. جامعه اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل یک نظام اسلامی... این هدف ما است. ما هنوز به این هدف نرسیدیم، توقع هم نبود که در ظرف سی سال برسیم. این هدف، هدف خیلی طولانی مدتی است. باید تلاش کرد، باید کارکرد تا به این هدف رسید؛ شما مسئولیتان این است، مأموریت این نسل این است؛ کشور و ملتتان را به آن جایگاهی که معنایش این باشد که یک جامعه اسلامی به معنای واقعی تشکیل شده، برسانید. این را الگو کنید. این می شود بزرگترین وسیله برای گسترش این فکر و گسترش این تجربه در عالم؛ این مأموریت این نسل است که در تصور و در جنبه نظری، چیز مشکلی نیست. البته کار، کار بسیار دشواری است. همان تحرک جوانی، همان انگیزه جوانی را لازم دارد؛ با تلاش فراوان. هدف این است: ما کشور اسلامی می خواهیم.^۱

"راز دشمنی های استکبار برای خاطر این (است) که اسلام، نظام اسلامی و حکومت اسلامی و جامعه اسلامی با ظلم مخالف است، با استکبار مخالف است، با دست اندازی به زندگی مردم مخالف است، با تجاوز به ملت ها مخالف است، با فرعونیت قدرت ها مخالف است."^۲

"یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ پیش ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است."^۳

شاخص های دولت مطلوب

"مروری بکنیم به شاخص های دولتی که در این روزگار دولت مطلوب محسوب می شود. البته ما ادعا نداریم که دولت ما یک دولت اسلامی به معنای حقیقی و کامل کلمه است... ولی به حسب آنچه که در روزگار ما و با شرایط ما می توان دولت اسلامی نامید، یک شاخص هایی وجود دارد که من به بعضی از آن شاخص ها اشاره می کنم. البته حرف های تازه ای نیست، این ها را خود شما می دانید؛ منتها یادآوری آنچه را که میدانیم همیشه برای ما مفید است و ضروری ندارد که اینها را دوباره یک مروری بکنیم... اولین شاخص، شاخص اعتقادی و اخلاقی است..."

۱. در دیدار دانشجویان سراسر کشور ۱۳۸۷/۰۷/۰۷.

۲. در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش های مختلف نظام ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

۳. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

شاخص دوم، مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است... شاخص سوم، مسئله‌ی عدالت است... شاخص بعدی که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است... شاخص بعدی، مسئله‌ی قانون‌گرایی است... شاخص دیگر، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر... شاخص دیگر... تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است.^۱

